



پروژه‌های جهان متحد شوید!

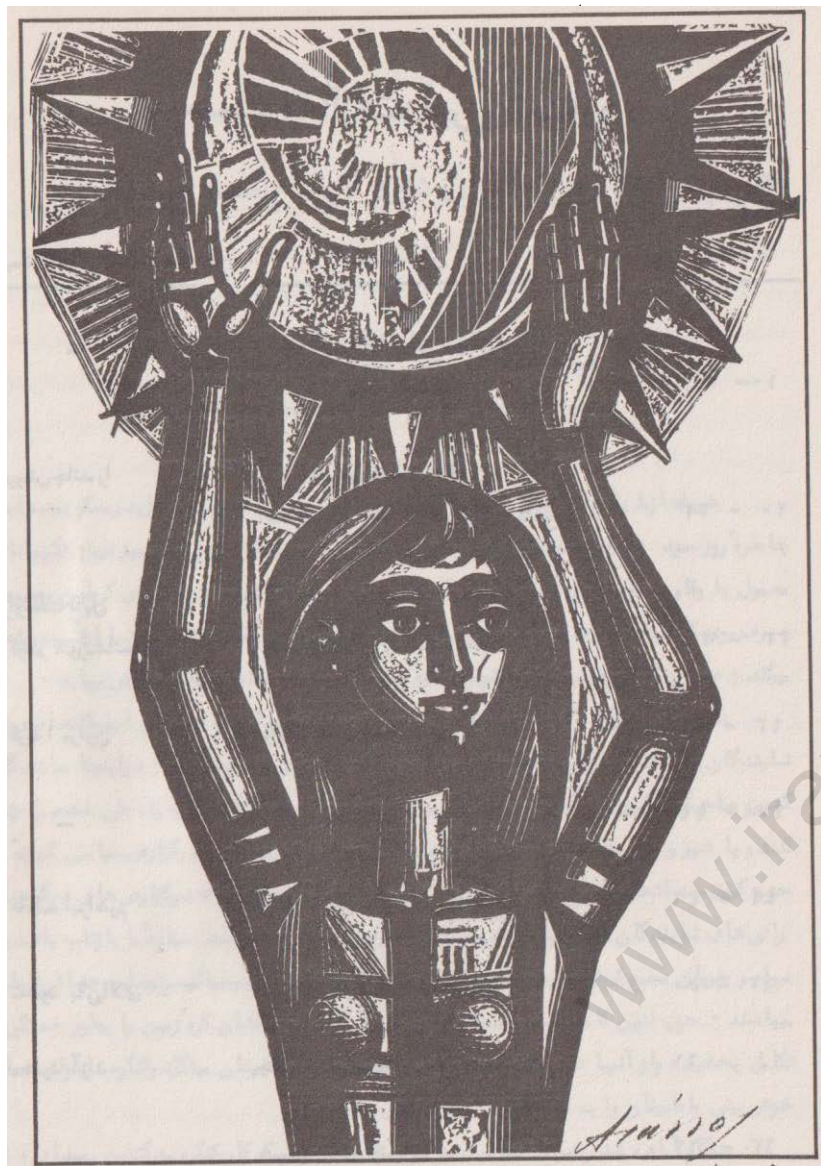
مسائل بین‌المللی

۲

خرداد - تیر
سال ۱۳۶۵



انتشارات حزب توده ایران



« فرداروزی آفتابی خواهد بود »
گراور روی چوب : اثر آ. تاسوسا نقاش کمونیست یونانی

فهرست مقالات این شماره :

حزب لنین بفرخوان دوران ما پاسخ میدهد

هیئت نمایندگی مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " در باره بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

هنیکه از ما بارها برای انجام کارهای گوناگون در تمام فصلهای سال درسکو بودیم ولی خاطره روز سرد ۲۵ فوریه مدت زیادی باقی میماند ما در میدان سرخ قدم میزنیم؛ نگهبانان طبق معمول با رفتار وشکوه جلوی آراگاه لنین ایستاده اند و گنبد های کهن برجهای کرملین روبروی ما است و برف روی کاجهای جلوی دیوار کرملین نشسته است. ولی این منظره آشنا امروز با اهمیت ویژه ای جلوه میکند: در کاخ کنگره ها بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی گشایش میدهد.

در سالن کارگران و کالخوزچی ها ه مهندسان و دانشمندان ه مسئولین امور اقتصادی استادان؛ نمایندگان سازمانهای حزبی وتوده ای از سراسر اتحاد شوروی حضور دارند. در اینجا سازندگان واقعی کشور و صاحبان کشوری بزرگ با حقوق کامل برای این گرد آمده اند تا تجارب راه طی شده را جمع بندی کنند و با شور و مشورت ببینند چگونه میتوانند بهتر و سریعتر پیش بروند. در گزاره های سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که بوسیله "م" س. گورباچف ارائه گردید ه در گزاره های دیگر در سخن رانی های نمایندگان علاقه صادقانه به بهروزی مردم شوروی و سرنوشت سیاره ما با زتاب یافته پسود. سراسر جریان مجمع کمونیست های شوروی بار دیگر تأیید نمود که سوسیالیسم و صلح جدائی ناپذیر میباشد. حزب لنین کاملاً مصمم است این دو دست آورد زحمتکشان کره زمین را بطور خستگی ناپذیر تکامل بخشید و از آنها دفاع کند؛ به آینده با خواهی بینی و اطمینان میگذرد و کنگره نمیتوانست این خواهی بینی و اطمینان را به مہمانان خارجی منتقل نکند.

هنگام آماده شدن برای مسافرت به مسکو ما میدانستیم که کار کنگره بزرگترین رویداد ه نه فقط در زندگی اتحاد شوروی ه بلکه بقیاس بین المللی خواهد بود. با وجود این ما شدیداً تحت تأثیر عظمت وظایفی که حزب لنین در برابر خود مطرح میکند وشجاعت واصلولیت برخوردار آن به مسائل حاد معاصر قرار گرفتیم.

نویسندگان مقاله ها	موضوع	صفحه
-	حزب لنین بفرخوان دوران ما پاسخ میدهد	۱-۳
رومن چاندرا	سال بین المللی صلح: صدای توده ها در کنگره ترازوی تاریخ	۱۱-۲۰
ارنست دیل گوتتر هورتشانسکی	وصایای تلمان زنده است	۲۱-۳۳
فریدا براون	اولویت های جنبش زنان	۳۴-۴۳
-	در آئینه مطبوعات	۴۴-۴۵
فاطمه ابراهیم	خرافات قرون عقب زده میشود	۴۶-۴۹
محمود بارپالای	سختن ملی در خدمت به انقلاب	۵۰-۶۰
محمود آزاد	جان میهن پرستان را باید نجات داد	۶۱
-	خبرهای کوتاه	۶۲-۶۳

بدیهی است که در یادداشت های کوتاهی که بمعنی واقعی کلمه درگرمیا گرم جریان کارکنگره نوشته شده نمیتوان همه چیز را تعریف کرد . به همین سبب ما میکوشیم آنچه را که بنظر ما مهم و اساسی میرسد معین و مشخص کنیم .

بعقیده ما بیست وهفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی سرآغاز مرحله تازه ای در راه پیشرفت نخستین کشور زحمتکشان این دست آورد اکتبر کیبر است . کنگره برای تحقق برتری های تاریخی جامعه شوروی پهنه گسترده تری ایجاد کرد . در جامعه شوروی ، برخلاف آنچه در کشورهای ما میگذرد ، برای همیشه به استثمار انسان از انسان و نابرابری ملی و فشار و زورگویی سرمایه خارجی و تضاد های آشتی ناپذیر اجتماعی و فقر و بیکاری پایان داده شده است و جامعه ای پرتحرک و مطمئن به نیرو و قدرت خود میباشد .

م . س . گورباچف در کنگره اظهار داشت : راهی که کشور ما طی کرد به دست آورد های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی آن تأییدی قانع کننده بر قابلیت زیست آموزش مارکسیستی - لنینیستی و نیروی بالقوه عظیم سوسیالیستی است که در ترقی جامعه شوروی تجسم یافته است . ما بحق بتمام آنچه طی این سالهای کار و مبارزه شدید انجام گرفته افتخار میکنیم .

فخرویه ها با بد آنچه بدست آمده هم از پشت تریبون و هم در خارج از سالن کنگره بگوش میرسید . ولی موضوع اساسی گزارشی سیاسی کمیته مرکزی و سخنان نمایندگان برشمرده کارهای انجام شده نبود . بعکس بشیوه سنن لنینی توجه اساسی روی برطرف ساختن دشواریها و تسریع پیشرفت متمرکز شده بسود . از نواقص موجود در فعالیت های سیاسی و پراتیک و از گرایشهای نامطلوب در اقتصاد و عرصه اجتماعی - معنوی و از اینکه پدید رکو دی در زندگی جامعه بروز کرده نیز صحبت میشد .

در کنگره گفت و شنود مشروح و در عین حال گرم و شوروی درباره این موضوع در گرفت که بچه طریق ، با چه وسایلی و چگونه میتوان در کوتاه ترین مدت وضع را بهبود بخشید . بحث بررسی برسر چندین موضوع و بدون ظاهر سازی ، فوراً لیسم و سخنان پرطمطراق انجام گرفت . این محیط توأم با کار و فعالیت در ما و سایر مهبانان خارجی تأثیر فراوان بخشید .

فیدل کاسترو ضمن شاد بایه به نمایندگان کنگره از طرف کوبای سوسیالیستی گفت : در فضای بیست وهفتمین کنگره شما علاقه به نوسازی و غلبان روح لنینی و شوروشوق و امید احساس میشود . تمام جریان تدارک آن مشحون از برخوردی عمیقاً انتقادی و تجزیه و تحلیل همه جانبه امور و گزارش درخشان و شجاعانه رفیق میخائیل سرگیویچ گورباچف با میکوبند هر قدر هم موفقیت های سیاسی و اقتصادی ، اجتماعی و علمی شما بزرگ باشند ، هر قدر هم افتخاراتی که در مبارزه در راه آزادی میهن خود بدست آورده اید و عملیات قهرمانانه مردم شوروی و پیشتاز رژیمد ، کمونیستی آن عظیم باشد ، هیچ چیز هیچ وقت اشتیاق شدید شما را برای دست یافتن به مراحل عالی تر در راهی که انقلاب کبیر اکتبر گشوده ، بظرف

نخواهد ساخت .

تسریع قاطعانه پیشرفت اجتماعی - اقتصادی و معنوی جامعه و نوسازی وضع کیفی آن هدف واقعاً انقلابی است که کمونیست های شوروی در پاسخ به فراخوان دوران ما و نیازهای مبرم مرحله کمونی زندگی شوروی برای خود معین کرده اند .

مقدم بر هر چیز صحبت بر سر تشدید آهنگ رشد اقتصادی و کیفیت تازه آن یعنی تشدید همه جانبه تولید بر پایه ترقیات علمی - تکنیکی و دگر سازی ساختار اقتصاد ، تعمیم اشکال شریک مدیتریت و سازماندهی کار و ایجاد انگیزه و محرک برای آنست . تسریع پیروی از سیاست اجتماعی پرتحرک و برقراری پیکیواصل عدالت اجتماعی و تکامل مناسبات اجتماعی را مورد توجه قرار میدهد . حزب کمونیست اتحاد شوروی بر آنست که وظایفی را که مطرح گردیده ، بدون گسترش هر چه بیشتر دموکراسی و همه جوانب و مظاهر آن نمیتوان انجام داد . در گزارشی سیاسی تأکید شده است که دموکراسی آن هوای سالم و تنهزی است که ارگانیم اجتماعی سوسیالیستی فقط در آن میتواند بزندگی ادامه دهد .

۱۰ کوبیال د بوبرکل حزب کمونیست پرتغال که برای این اصل ارج فراوانی قائل بود میا گفت : " دموکراسی بمنزله خصلت جدائی ناپذیر کشور سوسیالیستی و حزب یکی از اندیشه های بنیادی تعیین کننده راه پیشرفت خلاق تئوری و جهات فعالیت پراتیک است که کنگره بیست وهفتم در نظر گرفته است . صحبت بر سر ارزشها و هدفهای است که بدون تردید ، در تکامل سوسیالیسم و تمهید نفوذ آن در جهان تأثیر شدیدی خواهند داشت " .

نظریه تسریع در هر سه سندی که مهمترین اسناد حزبی است که بتصویب کنگره رسیده کاملاً با زتاب یافته است : هم در برنامه تازه حزب کمونیست اتحاد شوروی ، هم در اسناد به آن (باتفسیراتی که در آن بوجود آمده) و هم در جهات اساسی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی اتحاد جماهیر شوروی در سالهای ۱۹۹۰-۱۹۸۶ و در دوران تا سال ۲۰۰۰ . بطوریکه میدانیم طرح این اسناد که در اواخر سال ۱۹۷۵ در مطبوعات بچاپ رسید موضوع بحث و مذاکره گسترده در حزب و کشور قرار گرفت . در جریان این مشور و مشورت بزرگ با مردم میلیونها نفر از شهروندان شوروی افکار و پیشنهادات خود را بیان کردند و این مذاکرات در تصحیح نهائی اسناد در نظر گرفته شد .

برخی از رهنمود های پیشنهادی از طرف کنگره بشکل بسیار کلی عبارتند از : دو برابر کردن تولید و حجم منابعی که برای ارضای نیازهای مردم اختصاص داده میشود و دو برابر کردن درآمد ملی بوسیله عوامل تشدید کننده پیشرفت تا آغاز سده آینده . هم صحبت های ما از اتحاد شوروی قید میکردند که این پتانسیل پر قدرت و روز افزون اقتصادی و علمی - تکنیکی ، کارها و کارگران متخصصی که برای تمام رشته ها آماده شده است ، میزان ملکی مواد خام موجود ، نیروی خلاق روز افزون توده های مردم پیشینیان کامل آنان از پیش حزب کمونیست اتحاد شوروی با اطمینان میبخشند که بر نامه های شهروانه

حزب لنین واقع بینانه وقابل اجرا است .
 نمایندگان عالیترین مجمع حزبی تجاری را که طی کنتراز ده ماه در عرصه تحقیق مبنی نوسازی و
 تسریع (که پلنوم آوریل (سال ١٩٨٥) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح ساخته بود)
 اندوخته بودند به کنگره ارائه میکردند . از میان آنان ما با ک . ف . باشتانویک و از کارگران کارخانه
 اتوبیل سازی کاما و نماینده کمونیست های جمهوری خود مختار تاتار ملاقات و گفتگو کردیم . او گفت
 این دوران کوتاه به زندگی سازمان حزبی و نظام کلکتیو خیلی چیزهای تازه داده است ؛ حالا جلسات
 با فعالیت و کاری و شور و شوق بیشتر برگزار میگردد . انضباط در کار و فعالیت های تکنولوژیک استحکام
 یافته است و بهار زده در راه دست یافتن به کیفیت عالی برای اتوبیل های باری سیستم " Kam AZ " از
 شمار به امربحیاتی تمام کارکنان کارخانه اتوبیل سازی کاما مبدل شده است . همصحب ما هم مانند
 سایر نمایندگان کنگره اظهار اطمینان میکرد که قرارهای کنگره تحولات مثبت در زندگی اجتماعی و افزایش
 داده و تثبیت میکنند .

در تمام سخنرانی هایی که در کنگره ایراد شد عطف ایجاد گری ، توجه به فردا و آینده ای که
 برای کشور شوروا و برای سراسر سیاره ما باید قریب صلح و صفا باشد احساس میشد . گفته میشد که
 دوران کنونی تاریخ برای جامعه بشری فراخوان جدی را به همراه دارد ؛ دوران معاصر نه فقط نیرو-
 مندترین وسائل تولیدی را ساخته ، بلکه متأسفانه نیروهای خود نابودی با قدرت تأثیر بیسابقه ای هم
 ایجاد کرده است . بحقیقده حزب کمونیست اتحاد شوروی مسابقه تسلیحاتی که امپریالیسم آغاز کرده و ذخیره
 اسلحه و تکانل کیفی آنها همه خطر درگیری هسته ای بقیاس جهانی را در بر دارد که نتیجه آن نسه
 پیروزمندانی دارد و نه مغلوب شدگانی و ولی ممکن است تمدن بشری نابود گردد .

یگانه راه عاقلانه وقابل قبول همزیستی مسالمت آمیز کشورهایی است که دارای نظام اجتماعی
 گوناگون میباشد . نظم و نسقی لازم است که در آن حسن همجواری و همکاری بصورت تمام خلقها حکمرا
 باشد و نه نیروی نظامی . آیا نهایزی به یادآوری هست که این نظریه را کشور شوروی درست در او ان
 پیداایش خود در فرمان صلح مشهور لنین مورخ ٨ نوامبر ١٩١٨ مطرح ساخت ؟ اتحاد جماهیر شوروی
 در طول سراسر تاریخ خود کوشیده است آنرا برقرار سازد و به قاعده و قانون مناسبات بین المللی مبدل
 کند .

کمونیست های شوروی با ادا به سنن صلحد و ستانه کنگره های پیشین خود اینکه برنامه صلح
 کاملی برای دوران تا آخر قرن حاضر ارائه کرده و تدابیر مشخصی برای خلق صلح هسته ای پیشنهاد
 میکنند که میتواند در سه مرحله تا سال ٢٠٠٠ تحت کنترل بین المللی لازم انجام پذیرد . این پیشنهادها
 در اعلامیه م . س . گورباچف (١٥ ژانویه ١٩٨٦) با زتاب یافته است که گوش خود آغزی برای سال
 جهانی صلح است که سازمان ملل متحد اعلام کرده است . آنها در کشورهای ما و سایر کشورهای جهان

مورد استقبال شدید ملیونها نفر قرار گرفتند . توده های مردم بحق این پیشنهادات را بمنزله برنامه
 عمل واقع بینانه و مشخصی که از لحاظ زمانی بدقت محاسبه شده ارزیابی میکنند . اینکه بیست وهفتمین
 کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تأیید کرد که اتحاد شوروی قصد دارد برنامه و دیگر آنرا تحقیق بخشید
 و این امر راست اصلی سیاست خارجی خود در رساله های آینده میدانند موجب خرسندی فراوان است .
 حزب لنین که تعرض صلح خود را گسترش میدهد ، در مجمع عالی خود با توجه به آینده ابتکارات
 تازه ای عرضه داشت که اندیشه ایجاد سیستم عمومی امنیت بین المللی از جمله آنها است . در گزارش
 سیاسی کمیته مرکزی اساسی اصولی چنین سیستمی در عرصه های نظامی ، سیاسی ، اقتصادی و غیر
 دستی فرمول بندی شده است . این سالها بحقیقده حزب کمونیست اتحاد شوروی میتواند برای بدیالو
 مستقیم و مستقیمتیک رهبران کشورهای مختلف (هم دو جانبه و هم چند جانبه) سر آغاز و مبدل و نسوی
 چهارچوب باشند . دیالوگ میان پنج کشور هسته ای که بار عمده مسئولیت سرنوشت جامعه بشری
 بحمده آنها است بویژه حائز اهمیت است . اتحاد شوروی که به لیدران این پنج کشور تشکیل " میز
 گردی " را پیشنهاد نموده تأکید میکند که سخن حالا فقط بر سر مسئولیت است و نه امتیاز یا اساس
 برای دعوی " رهبری " در امور جهان .

این اندیشه ها و سایر ابتکاراتی که بمنظور تحکیم صلح از تریبون کنگره ظنین افکندند بلافاصله
 به موضوع بحث و مذاکره جالبی برای مهابتان خارجی مبدل شدند . رؤسای هیئت های نمایندگسی
 مختلف بنا بخواهر ما و با عطف توجه ، در درجه اول به مسائل مناطق خود ، هر یک نظر خویش را در
 این زمینه باختصار برای خوانندگان مجله بیان داشتند .

ک . پ . سلوا دیبرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست سرلانکا گفت :
 - در گزارش سیاسی و ستاد و مدارک دیگر تجزیه و تحلیل عمیق مارکسیستی - لنینیستی وضع
 بین المللی داده شده و بمنظور سالم سازی بنیادی آن ابتکارهای با ارزشی مطرح شده است . طرح
 اندیشه امنیت جمعی در آسیا که ما یقین داریم نیازمند هم آهنگی و تشریک مساعی تمام کشورهای و خلقهای
 قاره و از آنجمله دو کشور بزرگ سوسیالیستی اتحاد شوروی و جمهوری تود ، ای چنین میباشد برای ما بویژه
 جالب است . حزب ما از مساعی کمونیست های شوروی در این جهت کاملاً پشتیبانی بعمل میآورد و از
 آن استقبال میکند .

ل . وان گیت ، صدر حزب کمونیست بلژیک اظهار کرد :
 - ما در مربوط به انهدام سلاح هسته ای با برد متوسط اتحاد شوروی و آمریکا در اروپا که کنگره
 تصویب کرده به نیروهای صلحد و ست قاره امکان میدهد بپارزه در راه حل این مسئله بسیار مهم راتشد
 نمایند و نه فقط ایالات متحد آمریکا ، بلکه دولت های انگلستان و فرانسه را هم که از آنها خواسته شده
 ذخیره سلاح هسته ای خود را در سطح موجود توقف کنند در برابر انتخاب پرسشولیش قرار میدهند . این

مسئله برای بلژیک هم بسیار مهم است و زیرا در آنجا مدت است ۱۶ " موشک اروپائی " مستقر کرده اند. ولی مخالفت مردم بقدری شدید است که دولت مجبور شد در اعلامیه برنامه مانند خود تصریح نماید کسه استقرار موشکها با زکشت ناپذیر نیست .

۱۰. ملگارا معاون صد حزب آپرست پرو که از اعضای انترناسیونال سوسیالیستی استگفت :
از دیدگاه خلقهای امریکای لاتین و بویژه کشورهایی مانند کلمبیا که وام خارجی دست وی آنها را بسته و پیشنهاد فراخوانی کنگره جهانی درآینده و بمنظور بررسی مسائل امنیت اقتصادی که در بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی بیان گردیده بسیار جالب است و زیرا در آنجا ممکن است بتوانیم تمام آنچه را که روابط اقتصادی جهانی را دشوار میسازند و در مجموع مورد بحث و مذاکره قرار دهیم . از بیه از ۹۰۰ میلیارد دلار مجموع بدهی های کشورهای " جهان سوم " تقریباً نصف متعلق به قاره ما است . اگر این مسئله حل نشود تمام سیستم مالی جهانی بخطر خواهد افتاد . بدین ترتیب اندیشه ای که در اینجا مطرح شده و بدون تردید مهم است و ما کاملاً از آن پشتیبانی میکنیم .

کنگره با تجزیه و تحلیل پیشرفت وضع جهان معاصر توجه فراوانی به نقش توده های مردم و افکار عمومی در حل و فصل مسائل جهانی مبذول داشت . اعتقاد بدین موضوع بار دیگر تأیید شد که اگر خلقهای جهان با تشریک مساعی اقدام نمایند میتوانند و باید خطرناک بودی هسته ای را بر طرف سازند و تأیید کردید که جنگ جهانی "فقد رواج" ناپذیر نیست . شرکت فعالانه در بیکار شدن جنگ و دست یافتن به پیروزی در آنرا حزب کمونیست اتحاد شوروی مضمون اصلی استراتژی سیاست خارجی خود میداند . برای آنکه جامعه بشری بتواند به قرن بیست و یکم برسد و بدیهی است که باید بر جنگ غلبه کند . این وظیفه ای است بقیاس بزرگ تاریخی که پاسخگوی فراخوان دوران ما میباشد و بمعقیده ما درک این نکته حائز اهمیت بسیار است که وظیفه غلبه بر جنگها ما کمونیست ها باید با همکاری با سوسیال دموکراتها و کاتولیک ها و بودائی ها و اشخاصی با حسن نیت و با تمام کسانیکه زندگی در روی زمین را گرامی میدارند بانجام رسانیم .

حزب لنین در بیست و هفتمین کنگره خود بمنزله سازمان سیاسی نیرومند و یکپارچه ای که بطور مداوم پیشرفت میکند و مشابه پیشتاز واقعی مردم زحمتکش و نیروی رهبری کننده سراسر جامعه شوروی جلو برسد . این حزب که در صفوف خود بیش از ۱۹ میلیون نفر اعضای حزب را در بر میگیرد با اطمینان راه کشور را بسوی مراحل تازه ای هموار میکند .

از سخنرانی های نمایندگان و گفتگو با آنها ما دیدیم که حزب کمونیست اتحاد شوروی همانند یک ارگان بیسم عمیقاً دموکراتیک فعالیت میکند و رهبری متمرکز یافته را با ابتکارهای اعضای حزب و مردم پوزادی بحث و مذاکره را با وحدت عمل تلفیق مینماید . حزب با اقتناع مردم بد رستیها ستفها و ارضی

کمونیستها امور ادارات دولتی و مؤسسات و مراکز آموزش و پرورش و شوراها و اتحادیه های حرفه ای و سایر سازمانهای توده ای را هدایت میکند .

آمار و ارقامی که در کنگره ارائه میشد گواهی بر این است که ترکیب اجتماعی و سنتی حزب سطح تحصیل و معلومات اعضای آن هرچه کاملتر با ساختار جامعه شوروی و نیازهای پیشرفت آن مطابقت میکند . تعداد زیادی از جوانان و بویژه از طبقه کارگر به حزب پیوسته اند . آنها همه افراد مترقی و مدرنی هستند که برای درد ست گرفتن سگان و هدایت سوسیالیسم به قرن بیست و یکم بخوش آمده و مستعد میباشند . این گرایش های مساعد در پیشرفت زمینه اجتماعی اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی در ترکیب ارگانهای رهبری آنها با زتاب یافت .

به مسائل مربوط به ساختن حزب و مراعات کامل موازین لنینی در زندگی حزب در کنگره جای زیادی اختصاص داده شده بود . تغییراتی که در اساسنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی داده شده و بتصویب کنگره رسیده است در جهت افزایش نقش سازمانهای اولیه و گسترش هرچه بیشتر دموکراسی و در عین حال تشدید مسئولیتهای فردی کارها در رهبرشته و محلی است . قوانین حزب برای تعیین سیمای اخلاقی کمونیست ها سختگیری بیشتری را معمول میدارند . آنچه باید رهبران و اعضای عادی حزب را متمایز سازد تواضع در رستگاری و سخت گیر بودن نسبت بخود و توجه ب مردم است . حزب فقط در صورتی خواهد توانست وظایف تازه را با موفقیت انجام دهد که خود در پیشرفت و تکامل مداوم بوده و از تصورات " خطا ناپذیری " بری باشد و نسبت به آنچه بدست آمده برخوردی انتقاد آمیز داشته و آنچه را که باید انجام داده شود بروشنی ببیند .

در ارتباط با انتقاد و انتقاد از خود شدید و بیخبرانه که با صدای رسا در کنگره طنین افکند ما از او کاشتن دبیرکل حزب کمونیست کانادا خواهش کردیم نظر خود را در باره نگرانی هایی که گاهی ابراز میکرد در بیان دارد و باین معنی که آیا این انتقاد و انتقاد از خود را تبلیغات بورژوازی برای بدنام ساختن حزب کمونیست اتحاد شوروی و سوسیالیسم موجود و کمونیسم بمنزله آموزش و جنبش مورد استفاده و قسار نخواهد داد ؟

اود ریاسخ گفت : در این راه تلاش کرده اند و هم اکنون هم تلاش میکنند . ولی بورژوازی نمیتواند از چنین تبلیغات دانسته داری سرمایه و اعتباری بدست آورد . حزب لنین در مواقع بهیمن جهت نیرومند است که با پیروی از وسایلی او اشتباهات خود در مشهورانه آشکار میکند و بصدای بلند آنها را اعلام مینماید و از اشتباهات درس میگیرد و می آموزد که چگونه آنها را تصحیح کند . در عین حال احزاب بورژوازی که حاکمیت را بدست دارند و هیچوقت نمیکویند که حق با آنها نیست . اگر بیکاری است و میگویند طبقه کارگر قهراس است و اگر بحران همراه عینسی . سیاست آنها از اساسی غلط است و اگر بدون پیشنهادی تجزیه و تحلیل شود معایب آن آشکار میگردد . بیم و هراس آنها از انتقاد از خود هم ناشی از همین است .

ولی کونیست ها از چیزی ترس و وا همه ندارند : ما به حقانیت خود اطمینان داریم .

مجمع عالی اتحاد شوروی برای ننگه تاکید کرد که حزب جزی از اجزاء تشکله جنبی کونیستی جهانی و جنبه گسترده نیروهای دموکراتیک و آزاد بیخه و صلحد وست که اینک در مقابل دسائس تجاوز- کارانه امپریالیسم و خطر جنگ هسته ای جهانی ایستادگی میکند ، بوده و هست . نمایندگان این نیروها بصورت جمع معتبر بوسابقه ای از ۱۱۲ کشور تمام قاره های جهان برای شرکت درکنگره بسکو آمسده بودند که جمعاً از ۱۵۲ هیئت نمایندگی احزاب کونیست و کارگری و انقلابی - دموکراتیک و سوسیالیست - دموکراتیک و لیبرالیست و غیره رهبران سازمانهای دموکراتیک اجتماعی تشکیل میشد . خود این جمع نمایه مؤثر همبستگی انترناسیونالیستی با حزب لنین بود که تکامل پیشرفت جامعه سوسیا لیستی در اتحاد شوروی و پیشروی آن بسوی کونیسم را نه فقط بمنزله وظیفه ای در برابر مردم شوروی و بلکه بمنزله بهترین وظیفه انترناسیونالیستی بشمار میآورد . این وظیفه تاریخی بسود سوسیالیسم جهان طبقه کارگر بین المللی و تمام جامعه بشری است .

اکنون سرنوشت صلح و ترقی اجتماعی با شدتی بیش از هر زمانی دیگر با دینا همبسته پیشرفتاً تماماً سیاسی سیستم جهانی سوسیالیسم در ارتباط است . این اندیشه در سخنان بسیاری از نمایندگان کنگره ویا مهای تیدیک رهبران احزاب برادر با زتاب یافته بود . سخنرانی های نمایندگان تمام جریان های جنبی انقلابی و آزاد بیخه جهانی در کولین یا احساسات انترناسیونالیستی توأم بود . بطور مثال این رویداد مارا عمیقاً تحت تاثیر قرار داد و به همچنان آورد . در یکی از بیخه های گزارش سیاسی م . س . گورباچف خطاب به نمایندگان خواست تا با اجازه آنان بنام حزب کونیست اتحاد شوروی اعجاب و تحسین صادقانه و همبستگی برادرانه خود را نسبت به کونیستهای که در کشورهای سرمایه داری مبارزه میکنند ابراز دارد . صدای تحسین و کف زدنیهای شورانگیزی که مدت درازی قطع نمیشد سالن را بمعنی واقعی کلمه بلرزه درآورد

کارکنگره باردیگر با روشنی کامل نشان داد که حزب کونیست اتحاد شوروی بمنظور یکپارچه ساختن و گسترش فعالیت مشترک احزاب برادر و تکامل و گسترش آن از هیچ کوششی فروگذار نمیکند . حزب کونیست اتحاد شوروی معتقد است که کوناگونی و تنوع جنبی ما نشانه تفرقه و پراکندگی نیست و همانطور که وحدت هیچ وجه مشترکی با یکپارختی و هیرارشی و مداخله یک حزب در امور داخلی احزاب دیگر ندارد . جنبی کونیستی میتواند و باید با همبستگی طبقاتی و هماهنگی و برابری حقوق تمام احزاب برادر در رهبری در راه هدفهای مشترک نیرومند باشد . این نتیجه گیری بیست و هفتمین کنگره حزب کونیست اتحاد شوروی بمنظور پایه و اساس واقعی برای استحکام همکاری انترناسیونالیستی کونیست ها بدست میدهد . مهبانان خارجی حزب کونیست اتحاد شوروی از تریبون کاخ کرملین ، در دیدار با گروههای کارگران و کارکنان مؤسسات بسکو و سایر شهرها و در گفتگوی خود با ما بر اهمیت بین المللی بسیار زیاد بقیه در صفحه ۴۳

سال بین المللی صلح

صدای توده ها در کفه ترازی تاریخ

رومی چاندر

صدر هیئت رئیسه شورای جهانی صلح

ما در دوران زندگی حکیم که سرعت پیشرفت تاریخی بطور بیسابقه ای افزایش یافته و مسئله راهها و شیوه های حل و فصل تضاد های اجتماعی بشکل حادی مطرح شده است . امپریالیسم طی سالهای زندگی یک نسل سیاره ما را بد و جنگ جهانی کشانده است . اکثر کپیبر سرآغازی برای گسستن این گرایش بود . در نتیجه انقلابهای خلقی در اروپا و آسیا و افریقا و آمریکای لاتین سیستم جهانی سوسیالیسم وجود آمد و امپریالیسم طوریهای استعماری روزوال نهادند . در آنها کشور نواستقلال که در راه استقلال کامل اقتصادی و سیاسی و فرهنگی خود مبارزه میکنند به عرصه بین المللی گام نهادند .

در زمینه تسریع پیشرفت علم و تکنیک تغییرات اجتماعی شدیدی بوجود میآید . انقلاب علمی - تکنیکی عصر فضا را بروی جامعه بشری گشوده است . ده های اخیر و یا این قرن بیستم با آغاز مرحله تازه انقلاب علمی - تکنیکی و یعنی انقلاب تکنولوژی مشخص میگردد که با تغییرات کیفی در بهره برداری از دست آورد ها میکروالکترونیک و فضا نوردی و بیوتکنولوژی و اطلاعاتی و رسیدن به مرزهای استفاده صلح آمیز از انرژی حرارتی - هسته ای مربوط است . افزایش سیل آسای اکتشافات علمی و تحمیم جمعی آنها در راتیک روزانه و تکنولوژی و ساختارهای کهن را که طی قرنهای شکل گرفته بودند خراب میکنند و تکنولوژی و ساختارهای نوسو رشته ها و عرصه های تازه فعالیت بشر را بوجود میآورند .

این تغییرات عمیقاً در زندگی انسانها تاثیر میکنند . دست آورد های اندیشه علمی و مهندسی از یکسو امکانات تازه ای برای حل و فصل مسائل دیرپای کبود مواد غذایی و مسکن و مدارس و کنکهای بهداشتی بوجود میآورند و برای ترقی اجتماعی و فرهنگی و ورزشی جالبی میکنند . از سوی دیگر این دست آورد ها خطرات فوق العاده جدی به همراه دارند که تاریخ مانند آنها را بیاد ندارد و خطر خود ناپسندی جامعه بشری بزرگترین آنها است .

انسانها موفق بساختن سلاحی شدند که دارای نیروی تخریبی عظیمی است . بملاوه سلاحهای مرگبار هر چه در هشتتاک تری اختراع میشود . سابقه تسلیحاتی عرصه های تازه ای را در ریسر میگرد و مسائل

مادی هنگفتی را میبلند. اگر جامعه بشری میخواهد بزندگ خود ادامه دهد و پیشرفت کند باید این پروسه را متوقف سازد و راههای گاهش و انهدام ذخایر سلاحهای مریکار را بیاورد و مکنوسم نیرووند و قابل اعتماد حفظ خود را ایجا د کند. بدین ترتیب خود جریان پیشرفت جهان در برابر خلقها پرسش کهسن هاملت یعنی: "بودن یا نبودن؟" را به حادترین و آشکارترین شکلی مطرح کرده است. ولی در اینجا دیگر علم و تکنیک و بلکه سیاست است که باید سخن بگوید.

طی قرنهای بسیاری تصویرمهرفت که سیاست را فرمانروایان یعنی پادشاهان و بعد هاروسای جمهوری ونخست وزیران تعیین میکنند. در دوران ما تعیین و تحقق سیاست دیگر تنها کار برگزیدگیان قوم نیست. افکار عمومی و صدای توده های مردم اینک نقش هرچه بزرگتری ایفا میکنند. اکنون مردم درک میکنند که امید بستن به "مشت محکم" فاقد دورنما است و زهد رقرن هسته ای آلترناتیو خود مندانه دیگری غیر از همزیستی مسالمت آمیز نیست و نمیتواند باشد. خرد سیاسی در حساب آوردن واقعیات جهان معاصر و چندگونگی آن و وجود منافع کشورهای مختلف است که با یکدیگر فرقی دارند و اغلب متضادند و حتی بیکدیگر برخورد میکنند. در ضمن باید حل و فصل مسائل بین المللی مورد اختلاف را تابع دست یافتن به هدف عده و کرد و آن جلوگیری از جنگ هسته ای ناپود کننده است.

به یک سخن، اگر سیاستدار خرد مندی در راهبر انتخاب یکی از دو راه: صلح و زندگی یا جنگ و نابودی متقابل قرار گیرد و فقط یک راه را میبیند و آنهم صلح است.]

در این تردیدی نیست که شرایطی که به چنین انتخاب پر مسئولیتی یاری مبرسانند در حال حاضر مساعدتر از یکسال پیش و حتی شش ماه پیش از این است. دیدار ژنوم - س. گورباچف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و ریگان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا نشان داد که با وجود تمام اختلافات مواضع طرفین امکان یافتن راه حل های قابل قبول طرفین برای کاهش بنیادی تسلیحات هسته ای وجود دارد. نتیجه عده دیدار این بود که دو رهبر هر دو کشور در سنده مشترک اعلام داشتند که جنگ هسته ای نباید آغاز گردد. آنها بر اهمیت جلوگیری از هر جنگی میان اتحاد شوروی و ایالات متحده و خواه هسته ای و خواه معمولی تأکید کردند و این شرط را پذیرفتند که هیچیک از طرفین کوششی برای برتری نظامی بعمل نخواهد آورد. آنها برای تسریع در مذاکرات مربوط به تسلیحات هسته ای و فضای کیهانی با توجه به جلوگیری از سابقه تسلیحاتی و فضای کیهانی و قطع آن در روی زمین موافقت کردند. آنها از دست یافتن هر چه سریعتر به توافق و از جمله در عرصه هائی که میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا وحدت نظر وجود دارد پشتیبانی بعمل آوردند.

در اجلاس هیئت رئیسه شورای عالی صلح در استکهلم او اواخر سال گذشته قید گردید که دیدار ژنوم بهترین رویداد سیاسی بود که راه را برای تحولات در مناسبات میان اتحاد شوروی و آمریکا و بطور کلی در سراسر جهان در جهت بهبودی آنها گشود. ما تمام سازمانهای بین المللی و منطقه ای

ملی و محلی ضد جنگ را به ادامه فعالیت با روح ژنوم فراخواندیم.

در عین حال شورای جهانی صلح طرفداران صلح را با خبر میکند که: اشتباه است اگر ه پس از دیدار ژنوم بهارزه خاتمه دهند و بدان قناعت کنند و امیدوار باشند که دیگر همه چیز بدون آنها انجام می پذیرد. از سوشی و برای موفقیت سیاست صلحدوستی و اکنون پیش از هر زمان دیگری پشتیبانی توده ها ضروری است. از سوی دیگر به پیش از هر زمان دیگری کوشش مشترک و هشجاری لازم است تا اجازه داده نشود که دیوانگی هلیتاریستی بر خورد غلبه کند و جوانه های امید به آینده صلح آمیز جامعه بشری را لگد مال نماید.

اتحاد شوروی با تکمیل قرارداد های اصولی که در دیدار ژنوم تدوین گردید ضمن بیانیه "س. گورباچف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پیشهاد های تازه" بسیار مهمی را مطرح ساخت که مضمون آنها باین شرح است که طی پانزده سالی که ما را از پایان قرن جدا میکند و مرحله بحرله تمام ذخایر سلاح هسته ای و انواع دیگر سلاحهای نابودی جمعی و از جمله سلاح شیمیایی کاملاً نابود گردیده و سلاحهای معمولی و تعداد نفرات نیروهای مسلح بی میزان قابل توجهی کاهش داده شد و محدود گردید و با توجه به منافع تمام خلقها و کشورهای سیستم کمالی از تدابیر امنیتی بوجود آورده شود. اتحاد جماهیر شوروی با نشان دادن نمونه ای از این اقدامات و متوقف ساختن انفجارهای هسته ای خود را که بطور یکجانبه اعلام کرده بود و ۳۱ دسامبر سال ۱۹۸۵ فرجه آن بسر برسد برای سه ماه دیگر تمدید کرد و بار دیگر آمادگی خود را برای قدغن ساختن تمام آزمایش های هسته ای برای همیشه در صورتی که ایالات متحده به این ابتکار بپیوندند اعلام کرد.

بدین ترتیب حالا دیگر کارها به طرف دیگر یعنی آمریکا مربوط میشود. خلقها انتظار دارند که رهبران ایالات متحده آمریکا در خود این نیرو و شهاست را بیا بندند که از طرز تفکر هلیتاریستی امتناع کنند. ولی با تأسف باید گفت که برخی از مواضع اقدامات آنان نگرانی های جدی در مجامع صلحدوست برمی انگیزد. این موضوع که نمایندگان دولت آمریکا پس از دیدار ژنوم با رها اعلام داشته اند که در نظر دارند به آزمایشهای هسته ای ادامه دهند انسان را به هشجاری و مراقبت و اهدارد و واقعیات نشان میدهد که محافل با نفوذ واشنگتن بهیچوجه مایل نیستند از کوشش برای دست یافتن به برتری نظامی بر اتحاد شوروی صرف نظر کنند. بحکس آنها بانواع وسائل چرخ طیار عظیم برنامه "جنگ ستارگان" را محکتر میکنند و تا عملاً نتوان آنرا متوقف ساخت و در ضمن شیسی تاجارکارانه "سیطره تازه بر جهان" را هم با تمام امکانات عمیق تر میکنند. معنی و مفهوم این شیسی سیاسی هم این است که پیشرفت رویدادها در سراسر جهان باید تابع منافع آمریکا گردد.

برای نشان دادن نمونه نهای نیست براه دوری برویم. درست یک روز پس از آنکه در دیسدار شوروی - آمریکا در سطح عالی اعلام شد که هیچیک از طرفین برای دست یافتن به برتری نظامی کوششی

بجمل نخواهد آورد ژنرال ج . آبراهامسون رئیس برنامه " جنگ ستارگان " پنتاگون به بروکسل آمد . او در یک ماهه مطبوعاتی گفت حتی در صورتیکه ایالات متحدہ آمریکا و اتحاد شوروی درباره کاہنہ تسلیحاتی استراتژیک به توافق برسند آن برنامه با سرعت زیادی تحقق مییابد . ولی ہ برکس پوشیدہ نیست کہ مانع اصلی برسر راه مہار کردن مسابقہ تسلیحاتی و ہر طرف ساختن خطرہستہ ای ہمین برنامه است .

در مطبوعات ایالات متحدہ و سایر کشورہای ناتو حالات و اظہار نظرہای بسیاری بچاپ رسید کہ در آنہا ہمراہ با اتہامات و تحریفات سنتی موضع شوروی در مورد مسائل قطع مسابقہ تسلیحاتی و خلع سلاح گفته شدہ است گویا دشواری در دست یافتن بہ توافق نہ بگناہ و اشتگنہ ہ بلکہ در اثر " عدم نرمی " اتحاد شوروی بوجود میآید . این قبیل اظہارات منعکس کنندہ مقاصد محافل معینست است کہ میگویند نتیجہ دیدار ژنو را برہم زنند . طی ربع قرن اخیر ہیوند حاکمیت دولتی در ایالات متحدہ و آمریکا با محافل نظامی - صنعتی کہ بموقع خود پریزدنت د . آیزنهاور ہم بدان اشارہ کردہ اند منبہ مسابقہ یافتہ است . اقتصاد و سیاست آمریکا واقعاً تابع برنامه های پنتاگون میشود و نتیجہ آن شرکت ہائی کہ تخصصشان تولید سلاحہای مرکبیا راست ملیارڈ ہا دلار سود میبرند . حداقل ۶ ملیون نفر امریکائی در موسسات و ادارات مجتمع نظامی - صنعتی کار میکنند . از ۱۱ تا نیمی از دانشمندان امریکام در این مجتمع نظامی - صنعتی مشغول بکار میباشند . ہزینہ های وزارت دفاع آمریکا کہ در سال ۱۹۸۰ ۱۳۸ ملیارڈ دلار بود در آستانہ سال ۱۹۸۶ تقریباً تا سیصد ملیارڈ دلار افزایش یافتہ است .

برنامہ " جنگ ستارگان " ہم منافع هنگفتی را بہ صاحبان کارخانہ های مرگ نوید میدہد . حساب شدہ است کہ پنتاگون فقط برای کارہای پژوهشی در این عرصہ تاکنون بیہزای ۲۰ ملیارڈ دلار اعتبار دادہ و بیہزای ۱۵۰۰ کنترا با فہرم ہا و مراکز علمی گوناگون با ضاء رسانندہ است . درباره بیہسای تمام طرح ایجاد سیستم های ضربتی فضائی باید گفت طبق محاسبات قدماتی بیہزای از تریلیون دلار بودجہ لازم دارد .

البتہ " قرضی های " پنتاگون و سردمداران صنایع موشکی - فضائی کہ در سود های چند ملیارڈی ذینفع هستند از نتایج دیدار ژنو راضی نیستند و نمیخواہند آنرا بحساب بیاورند . آنہا از کوشش برای برہم زدن ہر آنچه بہ کاہنہ تشنج و ہیکاری در صلح منجر گردد ہ مضایقہ نکردہ اند و نخواہند کسرد . بہمین سبب ہم در حالیکہ تمام دوستان واقعی صلح امید بہ سالسازی وضع بین المللی را بہ نتیجہ دیدار ژنو مرتبط میسازند ہ نمایندگان ارتجائی ترین نیروہای امپریالیسم میگویند موج تازه ای از آنتی سوو^{تیس} چون جاسوس تراشی و اخبار " موشکی " (ساخته و پرداختہ سیا و پنتاگون) درباره " مکروہیلہ مسکو " کہ گویا قصد دارد " شیوہ زندگی " خود را بہ جامعہ بشری تحمیل کند بپا نہایند .

در ضمن فاکت ہا گواہ بر این است کہ اتحاد شوروی ہیچ چیز را بہ کسی تحمیل نمیکند . بعکس اتحاد شوروی از نخستین روز موجودیت خود واز نخستین فرمان صلح از حقوق خلقہا برای گزینہنہ راہ

بہ شرف ویژه خود و زمین در جہان بدون جنگ و اسلحہ طرفداری میکند . سیاست خارجی اتحاد شوروی از ہنگامیکہ بہ عرصہ گستردہ بین المللی راہ یافتہ (از کنفرانس صلح گئوتز در سال ۱۹۲۲) بدون وقفہ درباره مسابقہ تسلیحاتی کہ جامعہ بشری را بہ فلاکت و تیرہ روزی سوق میدہد ہ رنگ خطر را بصدہا درآوردہ است . در عرض ہ ہر وقت کہ در وضع بین المللی بہبودی بنظر آید ہ است ہ امپریالیسم برای برہم زدن اعتقاد خلقہا بہ امکان ہمزستی مسالمت آمیز و تحمیل شیوہ زندگی خود بہ آنہا بہ ہر تحریکی دست زدہ واز ہیچ دروغ پرهیز نکردہ است .

اینک بسیاری از نمونہ های این قبیل فعالیت های سازمانہای امپریالیستی کاہلاً قراہوش شدہ است . بہمین سبب ہ بخود اجازہ میدہیم برخی از آنہا را یاد آور شویم . بطور مثال در سالہای ۲۰ نامہ " کمینترن " کذائی کہ محافظہ کاران راستگرای افراطی بریتانیا سرہم بندی کردند و ہمچنین پروندہ " جعلی ساگو و وانتستی (۱) در ایالات متحدہ آمریکا محیط بین المللی را کاہلاً زہراکود ساختند و مسئلہ ہرسمیت شناختن دیپلماتیک دولت شوروی را بیخروج کردند . در سالہای ۳۰ منافع عمدہ تحریفاً ضد شوروی و اقدامات تحریک آمیز علیہ صلح بہ رئیس شلت ہرلن - رم - توکیو نزدیک شدند و گلولہ های تروریست فاشیست در مارس ہ کوشش های قدماتی و بنیبات سیاست اروپای غربی برای استقبال از اندیشہ امنیت جمعی را کہ اتحاد شوروی پیشنہا کردہ بود ہ ہی شوکردند (۲) . در آغاز سالہای ۶۰ پرواز جاسوس و تحریک آمیز پائورس تدارک در ازمدت برای دیدار پاریس سران کشورہای اتحاد شوروی ہ ایالات متحدہ ہ فرانسہ و بریتانیا را برہم زد و دیدار را غیرممکن ساخت . در آغاز سالہای ۸۰ جارجینجال ضد شوروی ہ ضد بلخارستان و مطور کلی ضد کمونیستی در اطراف " پروندہ آنتونف " کہ سازمانہای جاسوسی مخفی آمریکا و ایتالیا جعل کردہ بودند ہ برپا شد . ہدف این تحریکات کملہ بہ محافل ملیتاریست ایالات متحدہ برای تصویب برنامہ های افزایش د خاقت سلاح ہستہ ای و کشاندن مسابقہ تسلیحاتی بہ فضای کپہانی از طرف کنگرہ بود .

باز ہم با همان نسخہ های آزمون شدہ است کہ اینک تشنج بین المللی افزایش دادہ میشود . در

۱- ن . ساگو و ب . وانتستی کارگران انقلابی در سال ۱۹۲۷ در ایالات متحدہ آمریکا براساس براتہامات جعلی قتل وزارت اہدام شدند . در ضمن اگرچہ دادرس خود ناچار بہ بیگناہی آنان اعتراف کردہ حکم اہدام را چنین توجیہ میکرد کہ محکومین دشمنان نظام اجتماعی بوجود در ایالات متحدہ آمریکا هستند . ہیبت تحریک ہ .

۲- ل . بارتا وزیر امور خارجہ وقت فرانسہ ہم کہ از نزدیکان فرانسہ با اتحاد شوروی در مقابل خطر جنگ طرفداری میکرد ہ از جیلہ قربانیان این سوہ قصد گردید . ہیبت تحریک ہ .

لحظاتی که این سطور نوشته میشود و تشدید امواج اقدامات ترویسیم دولتی ایالات متحده و اسرائیل علیه لبنان و سوریه و ادامه تجاوز اعلام نشد به نیکاراگوئه و اعلامیه های جنگه افروزانه آشکار لیسدران میلیتاریستی مانند واین برگر نگرانی ویژه ای را برپا میکنند . اگر دیا لوتک شوروی - آمریکا با موفقیت پیشرفت کند و بدون تردید موجب خشم بیشتر طرفداران امپریالیستی " احزاب جنگه " و تشدید آمادگی آنها برای دست زدن به هزنوع تحریکاتی خواهد شد . بهمین علت دوستان صلح باید بویزه هشیا ر باغند .

پیشرفت اجتماعی یکسان نیست . اینکه انسانها در کشورها و قاره های گوناگون در شرایطی زندگی میکنند که از لحاظ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی شباهتی بهم ندارند . آنها آینده کشورهای و خلقهای خود را هم بطور متفاوتی تصور میکنند و دارای نظریات سیاسی و جهان بینی ها و اعتقادات مذهبی مختلفی میباشند . اکنون در اردوگاه صلح هم کمیونست ها و سوسیالیست ها هستند و هم نمایندگان احزاب سوسیالیستی و افراد آتئیست و دیندار و خلق هایی که جامعه بدون طبقات می سازند و خلق هایی که فقط چندی پیش از ستم طبقاتی رهائی یافته اند . اگر طرفداران صلح نیرو و انرژی خود را در بحث و مشاجره بر سر این موضوع به مصرف رسانند که شیوه زندگی در این یا آن کشور دارای چه مزایا و چه نواقصی است ، احتمال نیرو در مبارزات خود توفیقی حاصل کنند . ما باید در شرایط جهان موجود همانطور که هست با تمام ویژگیهای خاص هر یک از ملتها است زندگی کنیم ، کار کنیم . مبارزه کنیم و از آرمانهای خود دفاع نمائیم و نه در آن دنیای غیرواقعی که انسانها بسته به تعالیفات و اعتقادات خود هر یک به شکل معینی برای خود تصور میکنند . تمام کسانی که صلح را گرامی میدانند و صرف نظر از ملت و رنگ پوست و تملقات سیاسی و معتقدات مذهبی باید به این پرسشی که از واقعات جهان کنونی ناشی میشود پاسخ مثبت بدهند که آیا کشورهای تکیه دارای نظامهای گوناگون اجتماعی هستند میتوانند در صلح و صفای زندگی کنند ؟ پاسخ منفی برابر با قبول اجتناب ناپذیری و مقدر جنگها است .

البته و میان کشورهای گوناگون تضاد های کم و بیش جدی وجود دارد . ولی این بهیچوجه بدان معنی نیست که دستیابی به توافق میان آنها غیر ممکن است و نمایندگان دو سیستم اجتماعی که در روی سیاره ما وجود دارند نمیتوانند به توافق هایی برسند که منافع تمام کشورهای و خلقهای روی زمین در آنها منظور شده باشد . آنچه مهم است این است که باید برای همیشه از گوشه منظر وحل و فصل این تضاد ها با افعال زور صرف نظر کنند و این واقعیت را بپذیرند که فقط یک راه وجود دارد و آنهم راه مذاکره است و مذاکراتی که اغلب در از مدت و دشوار است و راهی که راه جستجوی توافق های ضروری و قابل قبول و آنگون تحلیل سود مند برای همگان میباشد .

بنظر ما در جریان تعیین امکاناتی که دوستان و طرفداران صلح میتوانند از آنها استفاده کنند

تا سیاستمدارانی را که نمیخواهند واقعات کنونی را بحساب بیاورند و ادرا کنند که به ندای خردگوشی فراد هند باید تجارب گذشته را هم در نظر گرفت . نسل مسن تر مبارزان راه صلح هنوز ناکامی جنبش صلح

و پاسیفیست های سالهای ۳۰-۲۰ میلادی قرن ما را بیخاطر دارد (برخی از آنها خود در این اقدامات شرکت داشتند) . بچه علی آنها نتوانستند جلوی هیتلر را بگیرند و مانع آغاز جنگه بشوند ؟ بنظر من علت اساسی اختراع از عمل مشترک علیه تجار و کارگران نازی و اختراع از ایجاد جبهه واحد مبارزه بود . فقدان وحدت در صفوف نیروهای ضد فاشیست و ضد جنگه دست هیتلری ها را برای تحقق نقشه های خود باز گذاشت . اگر مخالفان فاشیسم نمیتوانستند موقع متحد شوند و شاید جنگه دوم جبهه در زمین گرفت و ۵۰ میلیون نفر سلاکت نبرسید . ائتلاف ضد هیتلری خیلی دیرتر از آن بوجود آمد که بتواند از جنگه جلوگیری کند .

علت دیگری هم در میان بود . جنبشها هم متحد و ستانه آنها ننگم نتوانستند توده های مردم را مبارزه جلب کنند و اقدامات آنان را سازمان دهند . این قبیل جنبشها بطور عمده به رهبران و رجال سیاسی و نمایندگان برجسته علم و فرهنگه اتکاء میکردند و در آنها نیروی را سراغ میکردند که قادر است به مسائل جلوگیری از جنگه و حفظ صلح بپردازد . طبیعی است که طرفداران این جنبشها نمیتوانستند از موضع رهبران خود پشتیبانی بعمل بیاورند یا نیاورند ، با آنها موافقت بکنند یا نکنند ولی در گرفتن تصمیمات و یا اقداماتی که انجام میگرفت و آنها شخصاً شرکت نمیکردند . آنها با پیوستن به جنبش علاقه خودشان را به صلح ابراز میداشتند ولی از تصمیم برای مبارزه در راه صلح صحبتی در میان نبود . رهبران هم موفق نشدند این موضوع را به آگاهی تمام کسانی که بضرورت جلوگیری از جنگه معتقد بودند برسانند که دست یافتن به این هدف وابسته به خود آنها و بسا اقدامات و فعالیت های آنها است .

اینکه وضع تغییر کرد ، است . افزایش خطر جنگه موجب اعتلای بوسابقه تظاهرات در دفاع از صلح گردید . گسترش و تکامل وسائل ارتباط جمعی علاقه به صلح را در توده های انبوه اهالی که در گذشته از هرگونه اقدامات سیاسی دوری میکردند و افزایش داد . امر صلح مورد پشتیبانی میلیونها نفر دوستان و طرفداران صلح قرار گرفت که آماده اند شخصاً مسئولیت آنرا بعهده بگیرند و شخصاً از آن مانند هدف زندگی خود دفاع کنند .

افزایش فعالیت سیاسی و مسئولیت سیاسی توده ها و بطور مثال بهنگام هفته سنتی مبارزه در راه خلق سلاح که در اکتبر سال گذشته برگزار گردید آشکار شد . موج نیرومندی از تظاهرات و میتینگ های توده ای سراسر سیاره را در نور دید . تظاهرات کنندگان در کوچه های لندن و لاهه و توکیو و دیگر شهرها با این قبیل شعارها به تظاهرات میپرداختند : " ما خواستار توقف ساختن تولهت و تسلیحات هسته ای میباشیم ! " " ما خواستار قطع آزمایش های هسته ای میباشیم ! " " جنگه ستارگان نه ! " " از اتحاد شوروی سر مشق بگیرید - در کنار بودن سلاح هسته ای پیشدستی

نکند! " و " موشک های با برد متوسط را از اروپا بپروم ببرید " و مانند اینها . تظاهرات چند میلیونی توده ها در پشتیبانی از خواست های طرفداران صلح در کشورهای اروپای غربی و ژاپن و ایالات متحده آمریکا در اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی هم ترتیب داده شد .

همه ما در سال گذشته چهلمین سالگرد سرکوب آلمان هیتلری و ژاپن میلیتاریستی را برگزار کردیم . در همان سال گذشته سالروز رویداد دیگری هم برگزار شد و آن چهلمین سالروز فاجعه هیروشیما و ناکازاکی بود که قربانی بمباران اتمی ایالات متحده گردیدند . یادآوری این رویدادها خود حسای درس عبرت و هشدار باشی است . این درس خاطرنشان میکند که در سرکوب تجاوزکاران ، در آخرین تحلیل ، بدین سبب موفقیت حاصل شد که تمام مخالفان فاشیسم و صرفنظر از اختلافات اجتماعی - سیاسی میان آنها ، در ائتلاف ضد هیتلری متحد شدند . هشدار باشی ما را وادار به اندیشیدن میکند که اگر در متوقف ساختن و زایل کردن تلوژیک کسانیکه مسئولیت وجدانی فاجعه هیروشیما و ناکازاکی (یعنی شهر هاتی که در عمله های نخستین آتشسوزی هسته ای در روی زمین خاکستر شدند) بمبهد ، آنانست ، توفیق حاصل نشود سرنوشت فاجعه آمیزتری میتواند برای سراسر جهان پیش آید .

زیرا هم اکنون برحسب محاسبات متخصصین هزینه های نظامی در جهان به رقم نجومی ۸۰۰ میلیارد دلار در سال بالغ گردیده است . در حال حاضر از هر ۴۳ نفر ساکنان روی زمین یک نفر سرباز است . قدرت آتش سلاحهای معمولی طی چهار دهه اخیر ۲۰۰ بار افزایش یافته است و سایر سلاحهای هستهای برای کشتار ۵۸ میلیارد انسان یعنی تعدادی که ۱۶ بار بیشتر از جمعیت روی زمین است کفایت میکند .

هر قدر توده ها قاطمانه تر به درسهای تجارب خود اتکاء کنند و هر قدر کوشش های آنها هم آهنگ تر و جدی تر و همه جانبه تر گردد در دورنمای صلح استوار میشود و زندگی بدون جنگ و بطریق اولی تضمین بیشتری کسب خواهد کرد . ولی با وجود تقیاس و دانش گسترده مبارزه در راه صلح نیروهای ضد جنگ هنوز در مورد هدفها و وظایف خود بوحشت نظر نرسیده اند . در همین حال میلیتاریست ها و سوداگران اسلحه برای پراکنده ساختن صفوف مبارزان علیه جنگ هسته ای از هیچ اقدامی فروگذار نمیکنند .

جنبش کوشی نیروهای صلحدوست بمعنی معینی شباهت به آبی دارد که هنگام آب شدن یخها از کوهها سرازیر میشود . جویهای جدا از هم یکدیگر را میبایند و به رود و جریان بزرگی مبدل میشوند و با هم راه را بسوی اقیانوس صلح هموار میکنند . برخی از آنها در راههای دور و دشوار توان حرکت را از دست میدهند . برای آنکه در شن زارها و باطلاقیهای تبلیغات هیونیستی و میلیتاریستی ضد کمونیستی ناپود نشوند و برای آنکه سختی ها و موانعی را که در راه دشوار پیشرفت مناسبات بین المللی

روی هم انباشته شده بیکدیگر برطرف سازند باید هدفهای مشخص و خطرات کنکرتی را که سیاست و تبلیغات میلیتاریستی ایجاد میکنند بروشنی ببینند .

شورای جهانی صلح در ضمن بهیچوجه مدعی داشتن نقشی ویژه و یا انحصار مبارزه علیه جنگ نیست . یگانه خواست ما این است که با تمام نیرو به حفظ صلح کمک کنیم . اکنون این وظیفه شرط ضروری و نوعی نشانه اقدام مشترک برای حل و فصل تمام مسائل ملی و اجتماعی و اقتصادی و سایر مسائلی است که با زندگی خلقها در ارتباط است . هرگاه در پشتیبانی از استقلال ملی و حق حاکمیت ، هر اقدامی در راه اعتراض توأم با همبستگی علیه تجاوز امپریالیستی و هر عملی در دفاع از دموکراسی و عدالت اقتصادی و اجتماعی هر قدر نزدیک تر با مبارزه در راه صلح و خلع سلاح و جلوگیری از جنگ هسته ای پیوند داشته باشد ، بهمان اندازه موفقیت آمیزتر خواهد بود . هر قدر هم اقدامات طرفداران صلح ارتباط استوارتری با مبارزه خلقها در راه آزادی و دموکراسی و حقوق سیاسی و اقتصادی داشته باشد ، بنوع خود ، بهمان اندازه نیرومندتر و شریکتر خواهد بود .

میلیتاریست ها تمایل زیادی دارند که درک این واقعیت را از ضمیر توده ها بزدایند . اگر به بطور مثال ، در یک کوه گروهی از مردم علیه آپارتیود تظاهرات میکنند ، گروه دیگری در کوه بغلی علیه بیکاری دست به اعتراض میزنند و در کوه دیگری در جای دیگری هم مخالفان سلاح هسته ای خواستار اروپای بدون سلاح هسته ای میشوند ، کاملاً مطابق میل میلیتاریست ها بود . ولی ما حق نداریم به دشمنان صلح اجازه بدهیم موج اعتراضات توده ای را به بجاری مختلف اندازند و تفسیرا پراکنده و خنثی سازند .

برای شرکت کنندگان در جنبش ضد جنگ این نکته هر چه روشن تر میگردد که اگر جدا از یکدیگر عمل کنند ، قادر به برطرف ساختن خطر جنگ هسته ای نخواهند بود . درک این واقعیت ما را به مرحله بالا تری هدایت میکند و آن پی بردن بضرورت تبادل نظریات و افکار و تقاید است که امکان میدهد معلوم کنیم در چه مواردی امکان دست یافتن به توافق هائی که فعالیت مشترک بقیاس گسترده را امکان پذیر میسازند وجود دارد . در واقع نمایندگان جنبشها و جریان های بسیار مختلف و دوستان صلح هم در سال جاری در کپنهاک بهیچمن منظور گرد هم میآیند و کنگره جهانی خود را تشکیل میدهند .

اگر مردم قادر به درک این مسائل باشند و بتوانند نیروهای خود را متحد کنند ، یافتن راه حل های معقول برای تمام مسائلی که خلقها را نگران میدارد و تحقق آنها برایشان آسان تر خواهد بود . اکنون تا دیر نشده ، باید مبارزه کرد . تجربه تاریخ بط میآموزد که در انتظار وقت و فرصت بقدر نمانیم و بدون ضایقه از صرف نیرو ، وسائل وحدت عمل تمام مخالفان خطر جنگ را فراهم آوریم . چنین وحدت میتواند بر پایه مبارزه و همکاری مشترک نیروهای صلحدوست و اکثریت قاطع خلقها و دولت های عضو سازمان ملل متحد استوار باشد . خلقها و کشورها و بدون توجه به اختلاف سیستم های اجتماعی قادرند

مناقشات بین المللی را برپایه مذاکرات سودمند و برابر حقوق و با وسائل مسالمت آمیز حل و فصل کنند .
 تردیدی نیست که سال ۱۹۸۶ که از طرف سازمان ملل متحد ه سال جهانی صلح اعلام گردیده
 با تشدید فعالیت و افزایش نفوذ سیاسی ملیونها نگرانسان در تمام قاره ها متمایز خواهد شد . برنامه ای
 که از طرف سازمان ملل متحد برای این سال تهیه شده مجموعه وسیعی از مسائل مربوط به خلع سلاح ه
 پیشرفت صلح آمیز ه مبارزه علیه مداخلات نظامی ه استعمار ه نژاد پرستی و آپارتیید را در بر میگیرد .
 شورای جهانی صلح هم سهم خود را در این پروسه ادا خواهد کرد . اکنون در این شورا جنبه های
 صلح دوستی از ۱۴۱ کشور عضویت دارند . تدابیر منطقه ای و ملی و دیدارهای قاره ای و حرفه ای و
 مانند اینها که در نظر گرفته شده ه بدون تردید به رشد صفوف جنبه جهانی صلح یاری خواهند رساند
 و وحدت عمل حلقه های مختلف آنرا تحکیم خواهند کرد .

ما باندازه کافی نیرومند هستیم که اگر مشترکاً عمل کنیم سیاره را از نابودی رهائی بخشیم . عدم
 استفاده از نیروی که در ریم اشتباهی فاجعه آمیز میبود . در اواخر قرن بیستم دیگر وقت آن رسیده است
 که از این منطق منحط گذشته دوری گزینیم که : اگر خواستار صلح ه برای جنگ آماده شویم در قرن
 هسته ای و کیهانی طرفداران صلح اعلام میکنند : اگر خواستار صلح ه از صلح دفاع کن (وقت آنست
 که از این پندارهای سنتی هم صرف نظر کنیم که گویا حل و فصل مسائل سیاسی از اختیارات نمایندگان دولتها
 است و به انسانهای معمولی ربطی ندارد . بگذار در گفته تراژوی تاریخ صدای توده هائیکه در حفظ
 حق حیات خود ذینفع هستند هرچه پیشتر مؤثر واقع شود تا عقبه ای که راه پیشرفت جهان کنونی را
 نشان میدهد کاملاً بسوی صلح متمایل گردد .

وصیای تلمان زنده است

ارنست و پل

عضو کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد
 آلمان معاون رئیس دانشکده مارکسیم -
 لنینیسم وابسته به کمیته مرکزی حزب سو-
 سیالیست متحد آلمان .

گوتتر هورنشانسکی

رئیس شعبه دانشکده مارکسیم - لنینیسم
 وابسته به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست
 متحد آلمان .

طی دو سه سال اخیر در برنستسلاوش برگ بخش کارگری سنتی برلن بجای کارخانه قدیمی گناز که در
 گذشته دوده و بوی زننده به اطراف من پراکند خانه های نو زیبایی مشتمل بر ۹۰۰ آپارتمان مسدود
 برای چهار هزار نفره مدرسه ه کودکستان ه باغچه کودک ه استخر شنا ه مغازه ه رستوران و کافه
 ایجاد شده است . این مجتمع را پارک مینامند که برای منطقه ای مسکونی نام عادی و رایجی نیست .
 دوسوم سطح زمین آنجا را به زمین ورزش ه استخر ه چمن و بخش درختکاری شده اختصاص داد مانده
 در اینجا میتوان در هوای آزاد نشست و استراحت کرد . در مرکز پارک مجسمه ۱۳ متری برنزی انسانی
 است با سینه ای فراخ و سری بزرگ که زیر پرچم سرخی با نشان داس و چکش که علامت اتحاد کارگران و
 دهقانان است ایستاده است . روی مجسمه نوشته ای بچشم نمیخورد و ضرورت هم ندارد ه زیرا در چشم
 ما هر فردی میدانند که این تدی ه ارنست تلمان است که آن مجتمع ساختمانی تازه هم بنام اوست . پس
 نصب مجسمه زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان صد مین سالروز تولد رهبر کبیر طبقه کارگر آلمان ه صدر
 افسانه آسای حزب کمونیست آلمان را گرامی داشتند .

ارنست تلمان ۱۶ آوریل سال ۱۸۸۶ در بندر هامبورگ چشم بدنیا گشود . خانواده او از کسبه
 شهرنشین بود و والدینش در آن سالها دور از سیاست زندگی میکردند . تلمان هنگامی پرورش یافت
 که در جهان هنوز نه کشور سوسیالیستی وجود داشت و نه احزاب کمونیستی . او در مدرسه هفت کلاسمای

تحصیل میکرد و مانند همه پس‌چهارم‌های هامبورگ روزی چندین ساعت را در بندر میگذراند. آنجا پس‌چهارم ده‌ساله شاهد اعصاب‌پازده هفته‌ای در شمار کارگران بندر بود و این ریه‌داد برای همیشه در خاطر او باقی‌ماند. تلمان از ۱۴ سالگی برای امرار معاش ناچار بکار کردن شد و خیلی زود "با نخستین درس جدی یعنی در رشته سیستم استثمار سرمایه‌داری و شیوه‌های آن" (۱) آشنا شد و در هفده سالگی با اعتقاد کامل در روش به عضویت حزب سوسیال-دموکرات (که در آن هنگام انقلابی بود) درآمد. پس از یکسال او عضو اتحادیه کارگران حمل و نقل شد.

تلمان ۲۸ ساله را بخدمت سرمایه‌داری فراخواندند و او در جریان جنگ‌های سختی در رشته منسی جنگ را فهمید. در سی و دو سالگی نشیمنی فراز انقلاب نوامبر سال ۱۹۱۸ را با امید و نویدی از سر گذراند. پس از دو ساله تلمان که در آن موقع دیگر یک انقلابی مجرب و آبدیده بود و انداخته تئوریست فراوانی داشت هم به نمایندگی پارتی هامبورگ و هم به صدارت سازمان شهری حزب سوسیال-دموکرات مستقل آلمان انتخاب شده بود. او در همان سال به عضویت در حزب کمونیست آلمان پذیرفته شد. او باطناً پیش از اینهم آماده بود چنین کاری بردارد و ولی این کار را فقط وقتی انجام داد که اکثریت حوزه "مستقلین" هامبورگ را قانع کرد که از او پیروی کنند. پس از پنج سال او را به سمت صدارت حزب کمونیست آلمان برگزیدند.

تلمان وقت زیادی صرف مسائل تئوریک و استراتژی و تاکتیک حزب کمونیست میکرد و بشدت سرگرم انجام کارهای سازمانی-سیاسی بود. او که از انضباط درونی و قدرت کار فوق‌العاده‌ای برخوردار بود، علاوه بر اینها از سال ۱۹۲۵ صدارت اتحاد جبهه‌ای‌های سرخ یعنی شبه نظامیان پرولتاریای آلمان ویژه دفاع از خود را بعهده داشت و نماینده پارلمان هامبورگ (در سالهای ۱۹۲۳-۱۹۱۹) و نماینده رایشتاگ (در سالهای ۱۹۲۳-۱۹۲۴) هم بود. در انجام کارهای کمینترن هم فعالانه شرکت میکرد و در آنجا وظایف زیادی انجام میداد. او از همان سال‌های ۱۹۲۰ یکی از شخصیت‌های مشهور جنبش جهانی کمونیستی بشمار می‌آمد.

طبقات حاکم کشور و تلمان را که رهبر واقعی پرولتاریای آلمان بود و بد رستی و دشمن سیاسی جدی و مانفرد (و به همین سبب خطرناک) خود تشخیص داده بودند. یکماه پس از روی کار آمدن هیتلر تلمان ۴۶ ساله که فعالیت غیرعادی را آغاز کرده بود بچنگ دشمنان خود افتاد. او را پیش از یازده سال بدون بازپرسی و دادرسی در زندانهای فاشیست‌ها نگهداشتند و ۱۸ اوت سال ۱۹۴۴ مخفیانه و بی‌هنگام و محیلاً در اردوگاه بوخنوالد بقتل رساندند.

1- Ernst Thälmann. Mein Lebenslauf.- In Beiträge zur Geschichte, 1975, H. 1, S.95.

چنین بود مراحل عمده راه زندگی تلمان از کارگری ساده تا رهبر طبقه خود و یکی از بهترین نمایندگان مردم آلمان. رشته فعالیت سیاسی شدیدی او را در دست هنگامیکه در اوج نیرومندی جسمی و شکوفایی بود و قطع کردند. در شرایط کار عادی تلمان فقط هفت سال رهبری حزب کمونیست آلمان را بعهده داشت. با وجود این و زندگی او پربار و پرازش بود و تا آخرین نفس وقف امر طبقه کارگر و مبارزه علیه فاشیسم، ارتجاع و ملیتاریسم ویکار در راه صلح در روی زمین شده بود.

تاریخ سیاستمداران و دولتمردانی را که عرشان در اثر ارتلمان بوده زیاد بیاد دارد. آنها از قهر و بی‌چیزی بی‌خبر بودند و آنها را پیش از حد میستودند و تمجید و تحسین میکردند غرق در مبالغه و میساختند و ولی خیلی پیش از اینکه صد سالگی تولدشان فرارسد فراموش میکردند. بدین سبب فراموش میکردند که آنان به جامعه بشری و در راه ترقی و پیشرفت آن کار مهمی انجام ندادند و شخصیت واقعی نبودند. تلمان اندکی پیش از آنکه بهلاکت رسد چنین نوشت: "کلمه" شخصیت" معمولاً هنگامیکه برده میشود که صحبت از انسانی است که مافوق جامعه قرار میگیرد و تحمل نیروی را صرف خدمت به خلق خود میکند." (۱)

رهبر کمونیست‌های آلمان که نامش بحق در تاریخ ثبت شده چنین شخصیتی بود. او از جمله آن لیڈران کمونیستی است که از اعماق محیط پرولتری بدآمدند. او پیش از آنکه یک انقلابی حرفه‌ای بشود یک قرن تمام سرچی و بسته بند و یا یار و کارگر حمل و نقل و بند بود. او میان پرولتاریای آلمان پرورش یافت و طرز تفکرش پرولتری بود و هنگامی هم که حزب چند هزار نفری کمونیست را رهبری میکرد پرولتر باقی‌مانده بود. او با فخر و مباهات در زندان درباره خود چنین نوشت: "در رگهای من خون کارگر آلمانی جریان دارد و تا پایان هم من اینچنین خواهم بود." (۲)

تلمان عمیقاً معتقد بود که "بدون تئوری انقلابی سالم و روشن پراتیک انقلابی جدی نمیتواند وجود داشته باشد" (۳). او برای کار ایدئولوژیک - تئوریک در دورانی که مبارزه سیاسی حاد میشود اهمیت ویژه‌ای قائل بود و هر وقت بنظرش میرسید که به این بخش از کار کم اهمیت داده میشود بشدت اعتراض میکرد. او بدقت مراقب آموزش حزبی کمونیست‌ها و عق و شکل تعرضی تبلیغات در مطبوعات حس‌سبب کمونیست آلمان و مبارزه با آنتی کمونیسم و آشغال دیگر ایدئولوژی ارتجاعی بورژوازی و انتشار منظم آثار کلاسیک‌های مارکسیسم-لنینیسم بود.

1- Geschichte der deutschen Arbeiterbewegung, Bd.5. Berlin, 1966, S. 592.
2- Institut für Marxismus-Leninismus beim ZK der SED, Zentrales Parteiarchiv, NL 3/11
3- IML, ZPA, I, 1/2/4.

تلمان در رشته مارکسیسم - لنینیسم معلومات وسیعی داشت و بنیادهای آنها به تعمیم های گسترده و تعمق بکر و جامع در بسیاری از پدیده های تازه دوران خود میبرد. اخت. تلمان با انطباق خلاق آموزش مارکس - انگلس و لنین به شرایط آلمان سالهای ۲۰ و ۳۰ برخی از احکام و اصول آنرا غنی تر ساخت. این موضوع بهیژه به تجزیه و تحلیل جنبه های مختلف پیشرفت امپریالیسم در سالهای پیش از جنگ و پروسه فاشیستی شدن یک سلسله از کشورهای اروپای غربی و حل مسئله ملی در مابین خودی و ایجاد جبهه واحد کارگری و سیاست اتحادیه های کمونیست ها مربوط میشود.

رهبر پرولتاریای آلمان تجزیه و تحلیل مسائلی را که بر سر مردم همواره به پراتیک مبارزه انقلابی و با تهییج و تبلیغ ارتباط میداد. مشاهدات دقیق و ژرف پدیده های اقتصادی و سیاسی پروسه های آن دوران پایه و اساس برای نتیجه گیریهای او بود. این امر امکان میداد استراتژی و تاکتیک حزب کمونیست آلمان برشالوده علمی استوار بنا گردد. هر وقت اندیشه و نظریات تئوریک رفقای حزبی تلمان شکل شمایلی پیدا میکرد و واقعیت در تضاد قرار میگرفت او با قاطعیت آنها را از آنسوی ابرها به زمینه واقعیات سرسخت و دشوار فرود میآورد.

همواره مسائل تازه و واحد متعددی که اغلب جنبه فوری داشت در برابر رهبر پرولتاریای آلمان مطرح میشد. در هیچ وجه تدریجی و تدریجی ها و هنگامیکه برخی از پدیده ها هنوز شکل قطعی و نهائی نیافته است و بسیاری از نکات هنوز روشن نیست یافتن پاسخهای نهائی و آنها به فریاد و سرخ و عوار بود. لازم میآید که در جریان پیکار چیزی را تصحیح و یا دقیق تر کرد تا شرح و توضیحی که داده شده یا شعارهایی که قبلاً مطرح گردیده به طرح خشک و جامدی که مانع عمل انقلابی گردد تبدیل نشوند.

تلمان بر مسئولیت عظیمی که کمونیست ها این واحد های آگاه و پیشرو سازمان یافته پرولتاریا در برابر مردم دارند تأکید میکرد. او میگفت چنین تعهدی را فقط "حزب آهنین" کاملاً یکپارچه و دارای وحدتی ناکستنی و حزبی با انضباطی بدون تسبیح و سراط" (۱) میتواند انجام دهد. این هم که حزب کمونیست آلمان واقعاً چنین نیروی کارآمد و هم آهنکی شد و دهها هزار کمونیست صدیق و استوار در دوران تیره و تاریک دیکتاتوری تروریستی فاشیستی به امر طبقه کارگر و سوسیالیسم صلح و فادار ماندند از خدمات بزرگ رهبر آنانست. او با یاران همزمن خود شرایط اولیه پیروزی تاریخی را که طبقه کارگر آلمان و متحدین آن در اواخر سالهای ۴۰ بدست آوردند پی ریزی کرد. در آنتهنگام آرزوی تلمان در سرزمین اجدادی ما جامه عمل پوشید و جمهوری دموکراتیک آلمان یعنی کشوری سوسیالیستی ایجاد کردید.

رهبر کمونیست های آلمان معیار رشد و بلوغ حزب انقلابی مارکسیستی - لنینیستی را سرنگون ساختن

1- Ernst Thalmann. Geschichte und Politik, Berlin, 1973, S. 37

حاکمیت و سلطه سرمایه هدمت آوردن حاکمیت سیاسی میدانست. اما اتفاق سایر رهبران حزب کمونیست آلمان میکوشید از آن حزب نیروی بسازد که بتواند پرولتاریای آلمان را برای مبارزه در راه حاکمیت رهبری کند. (۱) تلمان در مقاله ها و سخنرانی های خود مرتباً به این مسئله که برای اود آرا اهمیت کلیدی بود اشاره میکرد. او بطور بیکر و اصولی از نظریات پرولتاریائی و خرد و پرولتاریائی و انسجام مختلف اپورتونیسم و رویزنیسم (تجدید نظر طلبی) دوری می جست. تلمان بخواهی میدانست که حاکمیت کارگری را باید مانند مرد یک چشم حفظ کرد و از آن دفاع نمود. در یکی از مینتگه ها او اعلام کرد "هنگامیکه با اتکا به نیروی مایه نیا نگر پرولتاریای شهر پروستا زمام امور را بدست بگیریم و عزم راسخ داریم که دیگر هیچوقت آنرا از دست ندهیم" (۲). این سخنان برای ما کمونیست های آلمان از صافی است که بدون انحراف انجام میشود. از نخستین روزهای پیدایش جمهوری دموکراتیک آلمان حزب مردم حاکمیت کارگران و دهقانان را مستحکم ساخته و از آن دفاع میکنند و به کسی اجازه نمیدهند آنرا بازچه ساخته و علیه آن به اقدامی دست زند.

تلمان از طرفداران جدی برقراری دیکتاتوری پرولتاریا بود. زیرا این پندار را که گویا اقلیت استثمارگر مواضع خویش را داوطلبانه به اکثریت زحمتکشان واگذارد میکند خطرناک میدانست. مفهوم عمیق حاکمیت سیاسی طبقه کارگر را او در خدمت در راه رفاه و آسایش مردم و پیشرفت و کمال همه جانبه شخصیت انسان میدید. او یاد آور میشد که فقط افتادن حاکمیت بدست پرولتاریا و متحدین آن میتواند راه حل مسائل اجتماعی - سیاسی آلمان را که زمان حل و فصل آنها فرا رسیده بدست دهد و نیازهای شدید واحد زحمتکشان را برآورده سازد و سطح زندگی رفاه مردم را بطور بنیادی بالا ببرد. فقط حاکمیت کارگران و دهقانان قادر است اکثریت تئوری برای سرمایه داری بوجود آورد. سوسیالیسم از چنین حاکمیتی تفکیک ناپذیر است و تا زمانیکه برقرار نشده است نمیتوان گامهای واقعی برای ایجاد جامعه نو برداشت.

حزب کمونیست آلمان هیچوقت استفاده از شرایط و امکانات دموکراسی پرولتاریائی بسودتوده هارا از نظر دور نداشت. تلمان از تریبون پارلمان هامبورگ و رایشتاگ از ضامع کارگران و دهقانان دفاع میکرد. علیه نقض حقوق و دست آورد های اجتماعی آنان مبارزه میکرد. خود کامگی دادگاهها و پلیس را افشا می نمود و میلیتاریسمی را که احیا میگردد محکوم میکرد. او در مقام صدایت حزب گروه کاملسی از نمایندگان کمونیست مجرب تهیه کرد که ما هراته می حزب کمونیست آلمان را تبلیغ میکردند. حزب کمونیست آلمان در هار فعالانه در مبارزات انتخاباتی شرکت کرد و تلمان هم در هار خود را نامزد ریاست

1- Ernst Thalmann. Geschichte und Politik. Berlin, 1973, S. 62.

2- Ernst Thalmann. Zur Machtfrage. Berlin, 1982, S. 378

جمهوری کمپرو نبود. او متوجه اهمیت فراوان اخلاقی موفقیت کمونیست‌ها در انتخابات بود. بعقیده وی هر قدر حزب تعدد بیشتری رأی بدست آورد، فشار آن بر طبقات حاکمه بیشتر خواهد بود. در ضمن برخلاف اپورتونیست‌ها، در میزان اهمیت این اقدامات مبالغه نمی‌کرد، زیرا یقین داشت که انتخابات بخودی خود بدون حرکات گسترده و توده‌ها نمیتواند وضع سیاسی را بطور بنیادی تغییر دهد و طبقه کارگر فقط بکمک بولتن‌های انتخاباتی قادر به گرفتن حاکمیت از بورژوازی نخواهد بود.

ولی، چنین برخورد هشیارانه‌ای به ارزیابی دموکراسی بورژوازی بدین معنی نبود که تلسمان سایه روشن‌های معین در آشکال دموکراسی بورژوازی را نمی‌بیند و نسبت بدین مسئله بی تفاوت است. حزب کمونیست آلمان خیلی زود خطر فاشیسم را درک کرد. از آغاز سال ۱۹۲۹ رهبر کمونیست‌های آلمان بطور منظم بحران جمهوری بورژوازی - پارلمانی ویمار را تجزیه و تحلیل میکرد و گام بگام چرخش طبقات حاکمه آلمان به شیوه‌های دیکتاتوری آشکار را دنبال میکرد. تلمان به تعیین خصلت این یا آن دولت آلمان برخوردی توأم با درک مسئولیت داشت و شدت مخالف کسانی بود که در سال ۱۹۳۱ برقراری دیکتاتوری فاشیستی را واقعیتی انجام یافته بشمار می‌آوردند. بعقیده صدر حزب کمونیست آلمان ایسن قهیل ارزیابی‌ها حزب و طبقه کارگر را در مقابل خطر بسیار مخوف تری که سر می‌رسید خلع سلاح میکردند. تلمان بطور موقتی اثبات میکرد که به حاکمیت رسیدن هیتلرها بهیچوجه غیر مترقبه نبود و بهر حال نمیتوان آنرا غصب ناگهانی حاکمیت و بطوریکه بورژوازی آلمان را گنج و وسهوت کند. بشمار آورد روز ۳۰ ژانویه سال ۱۹۳۲ هنگامیکه هیتلر صدراعظم شد، فقط پروسه تغییر شکل حاکمیت دولتی را تکمیل کرد و سیاست سرمایه کلان آلمان را که آگاهانه به برقراری دیکتاتوری تورپستی رضایت داده بود به نتیجه منطقی آن رساند.

ولی، پیش از آنکه این برنامه واقعیت پیدا کند، تلمان باین نتیجه پراتیک مهم رسید: بستن راه بر فاشیسم فقط در صورتی امکان پذیر است که بدون اینکه منتظر "تهدیه نهایی و قاطعانه" آینده بشانیم با تمام نیرو علیه خزش بسوی ارتجاع آشکاره علیه هرگامی که در جهت محدودیت دموکراسی بردا میشود علیه عقب راندن پرولتاریا از مواضعی که بدست آورده مبارزه کنیم.

در آن هنگام در رهبری حزب کمونیست آلمان کسانی بودند که تصور میکردند چرخش بورژوازی بسوی فاشیسم منتهی‌کننده ضعف آن است و بورژوازی در مقابل تضاد‌های شدید میان سرمایه انحصاری و زحمتکشان بحالت دفاعی درمی‌آید. بعقیده این کمونیست‌ها، بهکاری جمعی و سایر پی‌آمدهای اجتماعی سنگین بحران میباید در آینده تخیلی نزدیک طبقه کارگر آلمان را انقلابی کند و آنرا بسوی پارکالی روانه سازد.

تلمان که بگواهی معاصرانش استعداد کم نظیری در ارزیابی هشیارانه و واقع بینانه وضع موجود داشت در اوایل سالهای ۳۰ به نتیجه دیگری رسید که چنین بود: شرایط انقلابی بلاواسطه در آلمان

وجود ندارد و امید به اضمحلال خود بخودی نظام سرمایه داری هم بی پایه است. زیرا "وضع مطلقاً چاره ناپذیر برای سرمایه داری نمیتواند فقط بر پایه عوامل عینی بوجود آید" (۱). او با قاطعیت از کمونیک در شرایط آن دوران به ماجراجویی و مصیبتگری گرایش داشتند و در صد دست زدن به تسریر انفرادی برمی‌آیند و دوری می‌جست. تلمان بدون انحراف این اصل بنیادی مارکسیستی را رهنمود خود قرار داده بود که با سفارش ویابکمک شمارهای باصطلاح رادیکال نمیتوان انقلاب بوجود آورد. او به حزب نوشت: "ما به شرایط عینی متکی هستیم (که بطور ذهنی (سوپرکتیف) بمانها کم می‌کنیم" (۲). مبارزه در راه برقراری حاکمیت کارگری - دهقانی را رهبری پرولتاریای آلمان "مبارزه در راه جلب توده‌های میلیونی کارگران و مردم زحمتکش" (۳) بشمار می‌آورد. برقاومت ترین و از لحاظ ایدئولوژی استوارترین حزب قدرنیست بانرویی معدودی انقلابیون به هد فهای تاریخی خود دست یابد. متقاعد ساختن توده‌ها بدرستی اندیشه‌های کمونیستی وسیع آنها برای مبارزه در راه آن اندیشه‌ها فقط بکمک طرح و کروی غیر ممکن است. برای این مقصود درستی مشی اصلی هم به تنهایی کافی نیست؛ در اینجا کاربرد شیوه درست روانی و درک روحیه توده‌ها هم ضروری است" (۴). تلمان به تجربه شخصی خود میدانست که زحمتکشان بشرطی از حزب پیروی میکنند که خواسته‌های را که برای آنها قابل درک است مطرح نماید. خواسته‌های جزئی و بسیار نزدیک هم از جمله آنها است. او مکرر میگفت ما باید "پشتیبانی تمام نیازمند یه‌های زحمتکشان و مبارزان پیشرو در راه تمام خواسته‌های میسر باقیم" (۵) که توده‌ها مطرح میکنند. حزب کمونیست آلمان با هرگام و هر عمل خود میکوشید از نو و از نو اطمینان توده‌ها را جلب کند تا پس از آنکه به درستی سیاست کمونیست‌ها یقین حاصل کردند آن را سیاست خود بدانند. سازمانهای حزبی و کارکنان و اعضای حزب کمونیست آلمان این درس را آموختند که مبارزه در راه صلح و دموکراسی و سوسیالیسم را با دفاع از ضایع حیاتی توده‌های مردم بهم پیوند دهند. آنها در راه برقراری روز کار هشت ساعته و افزایش دستمزدها و کمک معاش برای بیکاران و بازشستانگان و طلیه

1- Ernst Thalmann. Eine Biographie, Bd. 2. Berlin, 1980, S. 496.

اینجا تلمان از اندیشه ای کو ای. لنین در دو مین کنگره کمونیست‌ترین بیان داشت پشتیبانی میکند رجوع کنید

به و. ای. لنین، مجموعه کامل آثار (زبان روسی) جلد ۴۱، صفحه ۲۷۸.

2- Ernst Thalmann. Zur Machtfrage, S. 452.

3- Ibid. S. 449.

4- Ernst Thalmann. Eine Biographie, Bd. 2, S. 624.

5- Die Rote Fahne, 25. April 1925.

کبود مسکن ، افزایش کرایه خانه ، در راه بهبود کمک های بهداشتی و حقوق تحصیلی برابر برای همگان ، برابری کامل حقوق زنان و جوانان و همچنین در راه مراعات و گسترش حقوق دموکراتیک و مدنی مبارزه میکردند .

صدر حزب کمونیست آلمان در دوران بحرانی و هنگامیکه خطر دیکتاتوری فاشیستی روز بروز به واقعیت نزدیک تر میشد نه فقط پیشتاز ، بلکه تمام طبقه کارگر را بمبارزه علیه تعرض به ابتدائی ترین حقوق حیاتی مردم فرامیخواند . او نوشت : " فقط اگر شما پرولترها و سوسیال دموکراتها ، مسیحیون ، ناسیونال سوسیالیست های آماده برای مبارزه ، اعضای اتحادیه های آزاد و غیر حزبی هادرجیبه و واحدی با رفقای همدرد خود یعنی کمونیست ها متحد شوید ، فقط اگر شما پرچم مبارزه را دلیرانه برافرازید ، آنگاه ما میتوانیم نان و سیب زمینی و ذغال سنگ برای خانواده هایمان ، برای پسران و دخترانمان و لباس و شیر برای کودکان گرسنه مان بدست آوریم " (۱) . حزب کمونیست آلمان به اعضای حزب ناسیونال سوسیالیست آلمان هم بدین علت مراجعه کرد که " میان واحد های ضربه ای آن و این اس های که میکوشیدند در بخشهای کارگر نشین به آشوب و تحریک دست بزنند و با به خانه های مسکنی کارگران و آبجو فروشی ها حمله ور شوند و بده های انبوهی از کارگران و کارمندان ، نمایندگان قشرهای متوسط ، کسبه و پیشه ورانی که زیر فشار احتیاج صحران عذاب میکشیدند و حتی دهقانان زحمتکشی که فریب نازی هارا خورد ، بودند یا بوعده های عوامفریبانه و دروغین هیتلر و گوبلز و شتراسر باور کرده و دنبال آنان میرفتند تفاوت فاحشی میدید " (۲) .

تلمان جلب اکثریت طبقه کارگر آلمان و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا از میان تمام زحمتکشان رانه امر آینده ای دور ، بلکه وظیفه بلاواسطه اصلی کمونیست ها بشمار میآورد . او معتقد بود که سگتار هائی که خود را پشت جملات انقلابی کاذب پنهان میکنند ، به امر طبقه کارگر فقط زبان وارد میآورند . آنها در واقع بدین سبب از توده ها خود را دور نگه میدارند که در برابر دشواریهای جلب آنها بسوی خود نتوانان هستند .

این نکته هم که صدر حزب کمونیست آلمان شعار " هرچه ژرف تر در میان توده ها [رادرناتپا] با کار در سندن پکاها چگونه درک میکرد آمو زنده است . در آستانه سالهای ۳۰ در جنبش کمونیستی آلمان و جنبش کمونیستی بین المللی گروهی طرفدار قطع ارتباط با سند پکاها و رفورمیستی و ایجاد اپوزیسیون سند پکائی انقلابی برهبری کمونیست ها بودند (در آلمان سند پکاها و رفورمیستی را سند پکاها اصطلاحاً آزاد مینامیدند) . آنها چنین استدلال میکردند که در شرایط بحران اقتصادی گویا طبقه کارگر سرعت

1- Ibid. Extraausgabe , 22. November 1932 .

2 - Ibid. 26 Januar 1932 .

شروع بدرك موقعیت خود میکند هر ای اینکه در آینده نزدیک اتحاد های کهنه را ترك گفته همه اتحاد های تازه بپیوندند آماده میشود . تلمان بطریقه زندگی هم نشان داد ، با این پندارهای باطل و کاملاً محقانه ، موافق نبود . او بخواهی میدانست که کارگران آلمان تا چه اندازه به اتحادیه های خود وابسته اند (در آلمان اتحادیه های کارگران بیش از ۶۵ میلیون کارگر را متحد میکردند) . خروج از آنها سه چنانکه مخالفان تلمان در رهبری حزب کمونیست آلمان پیشنهاد میکردند و تمرکز فعالیت در امور غیر سند پکائی (یعنی بطور عمده میان زحمتکشان بیکار و سازمان نیافته) برای کمونیست ها بمعنی رها کردن کار بسا توده اساسی پرولتاریا بدست پیش آمد و جریانات خود بخودی وینا بر این خیانت به امر انقلاب بود .

در رتو استراتژی و تاکتیک مارکسیستی - لنینیستی حزب کمونیست آلمان تعداد اعضای آن طی سالهایی که تلمان در رأس آن قرار داشت از ۱۱۴ هزار نفر به ۳۶۰ هزار نفر رسید . اگر در سال ۱۹۲۴ بهنگام انجام انتخابات رایشتاگ ۳۷ میلیون از انتخاب کنندگان به کمونیست ها رأی دادند ، حزب کمونیست در سال ۱۹۳۲ تقریباً ۶ میلیون رأی آورد . به تلمان که خود را برای ریاست جمهوری کاندید کرده بود در سال ۱۹۳۵ ۱۸ میلیون و در سال ۱۹۳۲ ۵ میلیون نفر رأی دادند . ولی این آراء برای سد کردن راه هیتلر در رسیدن بقدرت کافی نبود .

تلمان تمام زندگی آگاهانه خود را صرف مبارزه ای جدی و قاطعانه علیه امپریالیسم ، میلیتاریسم و جنگ کرد . او از همان سال ۱۹۱۴ موضع شوونیستی لیدران راستگرای سوسیال - دموکراسی و سندن پکاها را که تجاویزات مسلحانه امپریالیستی و نقشه های توسعه طلبانه سرمایه کلان آلمان را مورد پشتیبانی قرار داده بودند بمنزله بربیدن کامل از مارکسیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بشمار میآورد . او که ادامه دهند راه کارل لیبکنخت و روزالوکزیمبرگ بود علیه مسلح شدن آلمان و آماده شدن آن برای تجاوز تازه بطور آشفتی ناپذیر مبارزه میکرد . او بحد ها با بخاطر آوردن آنچه در جیبه بر سرنازان میگذاشت نوشت : دهشت های جنگ اعتقاد و عزم سوسیالیستی را در من تقویت کرد تا با تمام نیرو با احیای میلیتاریسم مخالفت کنم .

در فاصله بین دو جنگ جهانی ، تلمان در آلمان ، در واقع ، برجسته ترین مبارز پر شور و پیگیر در راه حفظ صلح بود . این کار را او وظیفه هده جنبش کمونیستی دوران خود و بخشی از رسالت پرولتاریا بشمار میآورد . صدر حزب کمونیست آلمان در جمع رهبری آن شخصاً مسئولیت اقدامات ضد جنگ را بعهده داشت . او در مقالات و سخنرانی هایش بطوری متقن نشان میداد که خطر جنگ در خود ماهیت امپریالیسم نهفته است ؛ او منافع آرزنده قشر فوقانی حاکم آلمان و تلاش آنها برای ثروت اندوزی از تولید اسلحه و سیاست توسعه طلبی و تلافیجویی را فاش و برملا میساخت . تلمان اهمیت پیشگیری موقع از تدارکات جنگی را همواره بطور خستگی ناپذیر تکرار میکرد تا تهیه اسلحه در نیابند . هشدارهایش برای او بجزیره هم اکنون مهم و در دستور روز است ، زیرا درگیری هسته ای خطرناک بودی نوع بشر را در بردارد .

در اواسط سالهای ۲۰، هنگامیکه سرمایه‌مالی آلمان از شکستی که بدان وارد آمده بود بخود آمد و از نومی تدارک جنگهای اشغالگرانه را در پیش گرفت، کمونیستها نخستین کسانی بودند که علیه خطر دشتناکی که سر میرسد ببقایه برخاستند. در قلمنامه پلنوم کمیته مرکزی (ژانویه سال ۱۹۳۱) اظهار اطمینان شده بود که حزب کمونیست آلمان یگانه حزبی در آلمان است که آماده است تمام مسائل اساسی سیاست آلمان و سیاست بین‌المللی را بدون جنگهای اشغالگرانه و بدون باسارت درآورد نسبتاً خلفها ویا تهدید آنها حل و فصل نماید (۱).

در همان هنگام تلمان توجه حزب و کمونیست‌های سراسر جهان را بدین نکته جلب میکرد که موفقیت مبارزه ضد جنگ در درجه اول وابسته به اشتراک توده‌های مردم در آنست. او نوشت: "مبارزه علیه جنگ بدون سیاست قانع‌کننده واقعی جبهه واحد (که برای بسیج توده‌ها مبارزه علیه جنگ ضرور است) غیرممکن ویا تقریباً امکان‌ناپذیر است. این یک مسئله کلیدی است. اگرما جمعیت رزنده‌ای بکمک همگان و از جمله بکمک کارگرانی که دارای نظریات دیگری هستند ایجاد نکنیم تمام مستحکمی سوسیالیستی ما، تمام معلومات ما درباره این مسئله و تمام تلاش و کوشش ما مکنی نخواهند کرد" (۲). او دایره متحدین بالقوه را گسترده میدید. بدین شرح: "جبهه واحد میلیونها کارگران کارخانه‌ها که استثمار میشوند، بیکاران که از عرصه تولید رانده شده‌اند و همچنین میلیونها دهقان و شایندگان روشنفکران" و علاوه بر آنها "عناصر خرد، بورژوا، قشرهای متوسط و غیره" (۳). برای سد کردن اطمینان بخش راه جنگ، تشریح مساعی نخستین کشور سوسیالیستی در روی زمین و تمام نیروهای صلح دوست سپاره یعنی کمونیست‌ها، سوسیال-دموکراتها، شخصیت‌های سندیکائی و صلحخواهان ضرور است.

تلمان برای ایجاد جبهه واحد در آلمان جلب سوسیال-دموکراتها به تشریح مساعی را پیوسته حائز اهمیت بشمار می‌آورد؛ زیرا در انتخاباتهای رایشتاگ در سال ۱۹۳۲ ۸ میلیون نفر از انتخاب‌کنندگان بآنها رأی دادند. دست یافتن به توافق با رهبری این حزب کارگری در آن سالها میسر نشد و رهبر کمونیست‌ها مضرانه به اعضای عادی آن حزب مراجعه میکرد. "از میان برداشتن دیوار ضخیمی که کارگران کمونیست و سوسیال دموکراترا از یکدیگر جدا میکند" (۴) فقط "از راه توضیح و تشریح

- 1- Ernst Thalmann. Volksrevolution über Deutschland. Berlin. 1932, S. 42.
- 2- IML, ZPA, Moskau, Fond 495, Opus 2, ed. xr. 160
- 3- Beiträge Zur Geschichte der Arbeiterbewegung, 1973, H. 6 S. 959-960
- 4- IML, ZPA, Moskau, Fond 495, Opus 2, ed. xr. 160

رفیقانه و بر پایه تجربه شخصی در مبارزه مشترک "میسراست و نه" با جار و جنجال و ناسزاگویی (۱). سکتاریستی. خود تلمان نمونه‌های چنین دیالوگی را نشان میداد. او در سال ۱۹۳۱ در میتینگ کارگران در برلین گفت: "حزب کمونیست با مراجعه بر تفکات طبقاتی خود در حزب سوسیال-دموکرات و آنهاست. میخواهد احساسات سوسیالیستی خود را حکم قرار دهند. آری، رفقا ما دست خود را برای مبارزه مشترک بسوی شما دراز نمیکیم" (۲). او تأکید میکرد که این اقدام مانور تاکتیکی نیست و آنرا اعتقاد به ضرورت وحدت کارگران مبارزه علیه خطر جنگ الزام میکند.

تلمان پیشنهاد کرد "سازمان عملیاتی ضد فاشیستی" یعنی جنبش گسترده‌ای برای مقابله با فاشیسم بوجود آورده شود. صدر حزب کمونیست آلمان تابستان سال ۱۹۳۲ با گروهی از شخصیت‌های سوسیال-دموکرات و سندیکائی ملاقات کرد تا درباره اقدامات مشترک با آنها مذاکره کند. وقتی همصحبتان او بر پایه پیشنهادی گفتند "سازمان عملیاتی ضد فاشیستی" گویا "سازمانی با تابلوی حزبی کمونیستی" است تلمان آنرا بمنزله "مرکز مجتمع مافوق حزبی برای تمام کارگران آماده برای مبارزه قاطعانه علیه فاشیسم" توصیف کرد. بعد این راهم بگفته خود افزود که اختلاف نظر بر سر بقیه مسائل باید در برابر مسئله عمده که چگونگی ممانعت از برقراری دیکتاتوری فاشیستی در آلمان است کنار گذاشته شود (۳). حزب کمونیست آلمان هیچ شرطی برای همکاری پیشنهاد نمیکرد و برای تحکیم موضع "سازمان عملیاتی ضد فاشیستی" در مؤسسات و در مراکز کاملاً کارگری اقدامات زیادی بعمل آورد.

ولی این جنبش به کندی نیرو میگرفت: "با وجود بحران هرغم اعتدالی جنبش انقلابی در گذشته و تمرکز نیروهای فاشیسم ضد انقلاب با سرعتی بیش از شکل نیروهای پرولتاریای انقلابی و توده‌های زحمتکشی که رهبری میکرد انجام میشد" (۴). تروری که هیتلر بها براه انداخته بودند صفوف مخالفان جنگ و فاشیسم را تضعیف کرد و پراز چند سال فاشیست‌ها، بهر تقدیر، توانستند جهان را به پرتگاه جنگ تازه ای افکنند.

تلمان میهن‌پرستی آتشین بود. او نوشت: "من آلمانی هستم. خلقی که من میدانم تعلق دارم و دوستش میدارم، خلق آلمان است و ملت من که با فخر و بهاهات فراوان برایش احترام قائلم ملت آلمان است، ملتی دلیر، با عزت نفس و استوار" (۵). ولی رهبر پرولتاریای آلمان در همین

- 1- Die Internationale, H. 11/12. S. 490.
- 2- Ernst Thalmann. Eine Biographie, Bd. 2, S. 526.
- 3- Die Antifaschistische Aktion, 1965, Berlin, S. 163-167
- 4- Ernst Thalmann. Eine Biographie, Bd. 2, S. 575
- 5- Geschichte der deutschen Arbeiterbewegung, Bd. 5, S. 591

حال يك انترناسیونالیست با ایمان و بیگانه هم بود. فعالیت خود و کار حزب کمونیست آلمان را جزئی از مبارزه طبقه کارگر جهانی بشمار می‌آورد و وظایف رهبری حزب را همیشه با تعهدات خود در کمترین بطور استوار پیوند می‌داد. آن تعهدات افق دید تلمان را گسترش می‌دادند و بسیاری از مسائل ساختار سوسیالیستی در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای طبقاتی پرولتاریا در سایر نقاط جهان و اخلاقی جنبش آزادی بخش ملی را روشن می‌کردند. صدر حزب کمونیست آلمان در کمترین از موفقیت‌ها و شکست‌های احزاب برادر درس می‌گرفت و بنوع خود با اتکا به تجارب کمونیست‌های آلمان سهمی در فعالیت انترناسیونالیست اد می‌کرد. او دوش‌پوش‌سایر رهبران برجسته طبقه کارگر جنبش کمونیستی جهانی را برپایه بار کمیسر-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری متحد و چهارچوب می‌ساخت.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر آغاز ساختمان جامعه بود اتحاد شوروی در شکل اعتقادات سیمای تلمان تأثیری بسزا داشت. او نوشت "هفتم نوامبر سال ۱۹۱۷ آغاز چرخشی بسیار عظیم در تاریخ جامعه بشری است. پیروزی قاطع کارگران و دهقانان و سرمایه‌زبان بر نیروهای متحد مالکان بزرگ و سرمایه داران سیمای جهان را تغییر داد. ۰۰۰ مرحله تازه ای در تاریخ مبارزه طبقاتی آغاز گردید" (۱). او حزب لنین را نمونه سازمانی می‌دانست که پرولتاریا برای انجام رسالت تاریخی خود بدان نیازمند است.

تلمان کمونیست‌های آلمان را بر مبنای اتحاد و همبستگی با کشور شوراها و مبارزه خستگی ناپذیر علیه آتش سوهیتسم و هرگونه گذشته نسبت بدان بار می‌آورد و چنین برخوردی را معیار انترناسیونالیسم پرولتاری بشمار می‌آورد. در سال ۱۹۲۶ در اجلاسیه یکی از ارگانهای زهری کمینترن او گفت: "مسئله اساسی برای جنبش کارگری جهانی چگونگی برخورد بد پکتوری پرولتاریا در اتحاد شوروی است" (۲). بمقیده ما این سخنان که هنگامی بیان شده است که اتحاد شوروی هنوز به تنهایی پانیه‌های سرمایه داری مقابله می‌کرد، از لحاظ تاریخی اکنون هم که دیگر جامعه کشورهای سوسیالیستی وجود دارد بقوت خود باقی است. اریش هونکر دبیرکل حزب سوسیالیست متحد آلمان خاطر نشان ساخت که نتیجه گیری رهبر پرولتاریای آلمان "اکنون نیز بهمان اندازه درست است که در آنزمان بود و فردا نیز چنین خواهد بود" (۳).

سراسر تاریخ جمهوری دموکراتیک آلمان این پیش‌بینی تلمان را تأیید می‌کند که آزادی واقعی مردم ما "در اتحاد با اتحاد جماهیر شوروی تأمین گردیده است" (۴). در زمینه چنین اتحادی ما

- 1- Ernst Thalmann. Geschichte und Politik, S. 45.
- 2- Ernst Thalmann. Reden und Aufsätze zur Geschichte der deutschen Arbeiterbewegung, Bd. 1. Berlin, 1955, S. 435
- 3- E. Honecker. Reden und Aufsätze, Bd. 9, Berlin, 1985, S. 153
- 4- Ernst Thalmann. Eine Biographie, Bd. 2, S. 715

انقلاب سوسیالیستی را به ثمر رساندیم و هر قدر دوستی ما با کشور بزرگ سوسیالیستی بیشتر باشد، بهمان اندازه جامعه نورا با موفقیت بیشتری می‌سازیم. به نسبت پیشرفت به جلو اتحاد برادرانه ما دانشه و دور نمای تازه ای پیدا میکند.

با وجود سلول مجرد زندان و شکنجه‌های شدید، تلمان در دوران زندان فاشیستی هم استوار و شکست ناپذیر، صادق به کار خویش‌ها اعتقاد راسخ به درستی راهی که گزیده بود و با اطمینان به پیروزی باقی ماند. در دوران دشواری که هیتلر با به اتحاد شوروی حمله کردند او اینطور نوشت: "جامعه آینده از آن ما است. هر قدر هم در این راه دشواری رنج زیاد باشد. ما به پیروزی اطمینان داریم" (۱). تاریخ صحت گفتار او را تأیید کرد.

تلمان عالیترین هدف زندگی خود را ساختمان سوسیالیسم در سرزمین آلمان می‌دانست: "ما بردگانی را که در اسارت ماشین‌ها هستند و بردمان مستندی را که به یاس و نومیدی کشانده شده اند به سازندگان آزاد و خوشبخت آینده و زندگی نوین بر کار و فعالیت جمعی مبدل می‌کنیم. ۰۰۰ جانیکه از حاکمیت انقلابی و ولتی بسود تمام زحمتکشان استفاده می‌شود. جانیکه زمین، معادن و محصولات صنعتی و کشتیهای اقیانوس بیما به کارگران تعلق دارند. آنجا همان کشور زحمتکشانی است که ما برای آن مبارزه می‌کنیم" (۲). چنین کشوری اکنون در سرزمین ما به اقامتی مبدل شده است.

اکنون حزب سوسیالیست متحد آلمان در آستانه یازدهمین کنگره خود (۳) بحق می‌تواند بگوید ضمن رهبری ساختمان سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان بدون انحراف اندیشه‌های تلمان را رهنمود خود قرار داد و هم‌پای او جامعه عمل پوشانید. کمونیست‌ها هم‌پارانه حاکمیت کارگران-دهقانان را حفظ می‌کنند، روابط حزب را با توده‌های مردم بطور همه جانبه استحکام می‌بخشند و از سیاست اتحاد با سایر نیروها بطور بیگانه پیروی می‌کنند. جمهوری ما با وحدت برادرانه و استوار با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و همکاری با تمام خلقها و کشورهای پیشینانی حمل می‌آورد و فعالانه از صلح در روی زمین دفاع می‌کند.

1- IML, ZPA, NL 3/9

2- Ernst Thalmann. Zur Machtfrage, S. 276-277.

۳ - یازدهمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان در آوریل سال ۱۹۸۶ برگزار گردید. مترجم.

تمام برنامه سالسازی وضع بین المللی و از جمله تصمیم اتحاد شوروی دایر بر متوقف ساختن یکجانبه انفجارهای هسته ای و فراخواندن ایالات متحده آمریکا به پیروی از این اقدام در جهان انعکاس عظیمی پیدا کردند (۱) - البته پیشنهادات مشخص هم که در اعلامیه م. س. کوریاچف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره آنها در خاتمه سلاح هسته ای و شیبایش تا آخر قرن حاضر قطع مسابقه تسلیحاتی بسود تمام جامعه بشری آمده دارای اهمیت فوق العاده است.

ولی تحولات مثبتی که قید کردیم با قاف و مت شدید نیروهای ارتجاعی امپریالیستی روبرو شدند. آنها مایل نیستند توافق های زانو تحققی پذیرد و "روح زانو" به "پروسه زانو" مبدل گردد و به همین سبب تلاشی میکنند ابتکارهای پر دانه و سازنده اتحاد شوروی را در سبیلی از باطل و جعلیات غرق کنند. متأسفانه دولت آمریکا تحت تأثیر محافل راستگرا و میلیتاریستی موافقت نمیکند که در مسئله متوقف ساختن انفجارهای هسته ای از اقدام اتحاد شوروی استقبال شود و بهرانه تطایلی نشان میدهند که از تحقق با اصطلاح "ابتکار استراتژیک تدافعی" خود یا برنامه "جنگ ستارگان" صرف نظر کند. در ضمن به استقرار موشکهای تازه در اروپای غربی و اتخاذ تدابیر دیگری که مسابقه تسلیحاتی را تشدید میکنند ادامه میدهد.

محافل راستگرای ایالات متحده آمریکا با رد ابتکارات صلحد و ستانه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی که برای دراز مدت پهن بینی شده و با عدم پذیرش اندیشه های سازنده کشورهای بیطرف و غیر متعهد (مانند لیدران آرژانتین، یونان، مکزیک، هندوستان، تانزانیا و سوئد) و بی اعتنائی به خواست و اراده شرکت کنندگان در جنبه های ضد جنگ تمام جامعه بشری را به بارزه فرا میخوانند. ملل جهان در این لحظات بحرانی فقط یک امکان برای انتخاب کردن دارند و آن گزینش میان ادامه زندگی و یا خطر نابودی است. در این شرایط خواست جمعیت های بین المللی و از جمله جنبه های زنان در مورد متوقف ساختن خزین بسوی جنگ و گزینش بسود صلح امری طبیعی است. در شرایطی که پیش آمده ما وظیفه مهار کردن نیروهای امپریالیستی و جنگ و تأمین امنیت قابل اطمینان و صلح استوار برای نسل کنونی و نسلهای آینده را از وظایف درجه اول بشمار میآوریم.

جنبه بین المللی زنان مسؤلیت خود را در امر سرنوشت تمدن بشری کاملاً درک میکند. در این تردیدی نیست که افزایش قابل توجه سهم زنان در این کار یکی از خصائص نمونه وار مبارزه نیروهای صلحد و ست در حال حاضر است. سازمانهای زنان در برخی از موارد نقش عمده و رایفا میکنند و ایمن چیزی است که در گذشته سابقه نداشته است. اقدامات دلاورانه و بیگانه آنها بطور مثال در گرنیم کون

اسطوری که میدانیم انفجارهای هسته ای از ۱۶ اوت سال ۱۹۸۵ تا اول ژانویه سال ۱۹۸۶ متوقف

کردید و سهم تا سه ماه دیگر هم موعده آن تمدید شد. هیئت تحریریه.

اولویت های جنبش زنان

فریدا براون

صدر هیئت رئیسه فدراسیون دموکراتیک
بین المللی زنان

میلیونها تن از زنان شرکت کنند در جنبش زنان بسال بین المللی صلح با احساس و اندیشه کوناگون نگرانی برای سرنوشت جامعه بشری و امید نصیبی بهتر نگرانی شدید برای آینده فرزندان و نواده خویش و ایمان به امکان تأمین شرایط ژسددگسی شایسته برای تمام مردم جهان گام نهادند. پیشرفت اوضاع جهان زنان کشورهای کوناگون را بصورت بسیج تمام نیروها برای مبارزه علیه خطره هسته ای و نقش های "جنگ ستارگان" آمریکا و مبارزه در راه قطع مسابقه تسلیحاتی و بازگشت به راه گامی تشنج معتقد میسازد. آنها با توجه به لزوم استواری صلح ۸ مارس و روز بین المللی زنان روز همبستگی و مبارزه در راه حقوق خود را برگزار میکنند. این حقوق فقط در صورتی میتوانند تضمین شوند که حقوق اساسی هر فردی و مقدم بر همه حق زیستن برای وی تأمین شده باشد.

وضعیتی که طی سالهای اخیر در جهان بوجود آمده نمیتواند نگرانی انسانها را برنیا نگیرد. در یک سلسله از نقاط ستاره وضع تشنج بحال خود باقی است و خطر واقعی بلیه هسته ای هم با برجا است. دورنمای امکان استقرار سلاح در فضای کیهانی موجب نگرانی ویژه ایست و بنظر من تاریخ تاکنون هدف و نیتی نابخردانه تر از این بیاد ندارد. زیرا چنین کاری جامعه بشری را لبه خطی قرار میدهد که به آن سوی آن نمیتوان رفت. زندگی پیش از این هیچوقت خواست اتخاذ تدابیر قاطع یافتن راه حل های بنیادی بمنظور چرخش در جهت بهبودی در مناسبات بین المللی را بدین حدت در برابر مردم سراسر جهان مطرح نکرده است.

اواخر سال گذشته و در آغاز سال جاری نشانه های امید بخشی در پیشرفت جریان اوضاع پدید آمد. دیدار شوروی - آمریکا در سطح عالی در زانو و توافق هایی که در آنجا بدست آمد در قلب مردم خواه بینی برمی انگیزد. اعلامیه مشترک درباره غیرمجاز شمردن جنگ هسته ای و امتناع طرفین از دست یافتن به برتری نظامی بنظر ما از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ابتکارهای تازه اتحاد شوروی

علیه استقرار موشکهای تازه آمریکا و بدون تردید به جنبش ضد موشک در بریتانیا و در سایر اروپای غربی نیروی تازه ای بخشید . گریتم کومن و سنکا - فلس و پابین کیپ (۱) نامهایی هستند که در تاریخچه مبارزه با خطر جنگ بمبزنله کلمات مترادف با شجاعت و قاطعیت زنان جای افتخار آمیزی دارند . مسائل صلح خلع سلاح و طی سالهای گذشته ، نه فقط در سازمانهای دموکراتیک و بلکه در سازمانهای بورژوا - لیبرال زنان هم در درجه اول اهمیت قرار گرفتند ؛ در کشورهای گوناگون صدها اتحاد تازه و گروههای خود مختار و جنبش ایجاد گردید که مبارزه علیه خطر جنگ هسته ای و سابقه تسلیحاتی در زمین فضایی کیهانی را هدف عمد و خود قرار داده اند . این پرسه ، اگر درباره جهان سرمایه داری سخن بگویم ، در کشورهای اروپای شمالی ، هلند ، بریتانیا ، جمهوری فدرال آلمان کانادا و ایالات متحده به شدت گسترش یافت . بطور مثال ، در کشورهای اروپای شمالی ، جنبش تازه " زنان در راه صلح " که در سال ۱۹۸۰ در دانمارک پدید آمد به نیروی فعالی بدل شد . در آنهنگام ، شرکت کنندگان در این جنبش بیش از ۵۰۰ هزار اعضاء زیر فراخوان به صلح و قطع سابقه تسلیحاتی جمع آوری کردند و آنرا با شکوه تمام به دبیر کل سازمان ملل متحد دادند . بعدها آنها سه راهپیمایی تشکیل دادند که در اروپای غربی و اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا انجام یافت . زنان در حال حاضر با شکل بسیار متنوع برای هدف - شمال بدون سلاح هسته ای مبارزه میکنند . در ایالات متحده آمریکا سازمانهای ضد جنگ گوناگون زنان بوجود آورده شده است - مانند " مادران طرفدار صلح " و " زنان خواستار خلع سلاح هسته ای " و " حلقه های صلح " و " ابتکار زنان در راه صلح " و غیره . طرح ابتکاری مانند جمع آوری اعضاء زیر فراخوان شوق ساختن تولید تسلیحات هسته ای تحت شعار " میلیونها مادر " در واقع از خدمات زنان است . آنها نخستین اردوی صلح در آمریکا و نزدیک پایگاه نظامی سنکا-فلس و را پایه گذاری کردند . در این پایگاه است که موشک های " پرشینگ - ۲ " ویژه استقرار در اروپای غربی نگهداری میشود .

زنان جمهوری فدرال آلمان در تظاهرات چند هزار نفره زیر شعار " محل کار بجای موشک " شرکت میکنند و زیر بانیه ای علیه استقرار موشک های " پرشینگ - ۲ " اعضاء جمع آوری میشوند و در اطراف پایگاههای نظامی آمریکا به نشانه اعتراض گرد می آیند و علیه نقشه های " جنگ ستارگان " اعتراض میکنند .

سازمانهای زنان در کشورهای آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین توجه هر چه بیشتری به مسائل صلح و خلع سلاح مبدول میدارند .

۱ - پایگاههای نظامی آمریکا به ترتیب در بریتانیا ، ایالات متحده آمریکا و استرالیا که در اطراف آنها اردوگاههای صلح برپا شد و شهرت بسیار یافتند . هیئت تحریریه .

در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی زنان نه فقط از شرکت کنندگان فعال در تدابیر ضد جنگ میباشند ، بلکه در موارد بسیاری در سالهای اخیر مبتکر اینگونه تدابیر بوده اند . اینک چهل سال است که فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان در صدم مقدم مبارزات ضد جنگ زنان و بیگار و بنظر بهبودی وضع آنها قرار دارد . پیدایش آن در اول دسامبر سال ۱۹۴۵ با اعتراض علیه دهفت های جنگ و پیروزی بزرگ خلقها بر فاشیسم آلمان و مهلتا رسم زاین مربوط است . فدراسیون زنانی را که دارای وضع اجتماعی گوناگون ، اعتقادات مذهیبی و جهان بینی مختلف هستند و نمایندگانه کشورهای میباشند که نظامهای اجتماعی متفاوت دارند " برای مبارزه مشترک در راه حقوق تمام زنان ، مادران و زحمتمندان و بنظر حفظ کودکان و تأمین صلح ، دموکراسی و استقلال خلقها متحد میسازد . این هدفهای شریف با سخوی منافع حیاتی زنان میباشند ؛ فدراسیون زنان را به تحسین انسانیترین ، بهترین و عادلانه ترین خواستههایشان فراخواند . فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان به نیروی با نفوذ و مؤثری بدل شده است ؛ اگر چه سال پیش برنامه آنرا ۴۱ سازمان مسلحی پذیرفتند ، اکنون ۱۳۵ سازمان از ۱۱۷ کشور در فدراسیون عضویت دارند .

تشدید فعالیت ضد جنگ زنان موضوع اصلی بحث و مذاکره در اجلاس شورای فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان در برلین در سال ۱۹۸۵ بود . نتایج مذاکرات شوروی - آمریکا در سطح عالی در زنو در آن اجلاس مورد توجه فراوان قرار گرفت . شرکت کنندگان در اجلاس با استقبال از این مذاکرات بمنزله آغاز دیالوگ میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا ، با قاطعیت اظهار آمادگی کردند که با انرژی بیشتری خواستار قطع سابقه تسلیحاتی و در درجه اول موشکی - هسته ای ، در روی زمین و ممانعت از گشاده شدن آن به فضای کیهانی بشوند . ما علاقه خود را به تقابل با تمام کسانی که خواهان صلح میباشند و بدون توجه به اختلافات ایدئولوژیک اعلام داشتیم .

بدین منظور گروهی از سازمانهای بین المللی و ملی و از جمله فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان و جمعیت های ملی بیش از ۶۰ کشور بیانیه ای انتشار دادند حاوی فراخوان برگزاری کنگره جهانی ویژه سال بین المللی صلح در کپنهاگ (از پانزدهم تا نوزدهم اکتبر سال ۱۹۸۶) . کنگره باید بر پایه تبادل نظر آشکار و آزادانه راههای تازه مؤثری برای تشدید مساعی مشترک در راه صلح و ترقی بیابند . در تدارک و برگزاری آن زنان هم بلاواسطه شرکت میکنند .

علاوه بر این ما در جهت تدارک جمیع بسیار مهمی که کنگره جهانی زنان است نیز فعالیت میکنیم . این کنگره را فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان سال بعد در مسکو برگزار خواهد کرد . این مجمع باید به انجام وظیفه کلیدی که در برابر جنبش دموکراتیک زنان و جنبش صلح قرار دارد یاری رساند . وظیفه عبارتست از : متحد ساختن سازمانهای گوناگون متعدد در عین شناسایی و قبول تفاوتهای آنها و تعیین راههای جلب آنها بسیار مشترک و مقدر هر چیز مبارزه علیه جنگ .

تصور می‌کند اکنون به مرحله ای رسیده ایم که باید روی تجارب گرد آمده تأمل کنیم و برنامه های فعالیت های آینده را معین نمائیم و به تجدید سازمان نیروها بپردازیم. من یقین دارم که سال کنونی بسین المللی صلح میتواند با طرح اندیشه های نو و اشکال و شبهه های تازه کار بخاطر حفظ صلح در حال و آینده از طرف زنان مشخص و متمایز گردد.

جنبه ضد جنگ زنان دارای مسائل ویژه خود میباشد. بطور مثال ما به مسائل صلح از دیدگاه دیگری و متفاوت با سیاستمداران و متخصصین نظامی و من نگیم و این مسائل را اغلب با مسائل زندگی روزمره ارتباط میدهم.

خصیصه ویژه دیگر عبارت از این است که در جنبه ما تعداد زیادی از زنان که نماینده کشورهای در حال رشد هستند شرکت دارند. میدانیم که در این قهول کشورها درصد بیسوادى بالا است و در آنها گرسنگی، بیماری و فقر مستحاکم است. در آن کشورها درک ارتباط میان نیازمندیهای حیاتی و ضرورت پیشگیری از جنگ هسته ای برای زنان دشوار است. این امر بجهت به شرکت کنندگان در جنبه های آزاد بیخشم ملی مربوط است. بطور مثال، زنان افغانی جنوبی بطور مداوم با صفر گلوله و باتوم پلیس سروکار دارند و زنان در نیکاراگوئه هر روز در انتظار هجوم ضد انقلابیون میباشند. در چنین شرایطی برای آنها درک این مسئله آسان نیست که بچه سبب اینک وظیفه اساسی در جهان مبارزه علیه جنگ هسته ای و برنامه های "جنگ ستارگان" است. بسیاری از آنها میگویند: "مسئله عمده برای من بدست آوردن آب و نان برای کودکانم و یا بدست آوردن اسلحه بیشتر برای مبارزه علیه شکنگران است."

این معضل بزرگی است. ما مطلب را برای آنها اینطور تشریح میکنم و تشریح خواهیم کرد که اگر در مبارزه برای صلح توفیق حاصل کرد و بتوانیم وسائل مادی را از تولید لوازم جنگی به تولیدات غیرنظامی منتقل کنیم این امکان بدست میآید که بسیاری از مشکلاتی که زنان را نگران میکند برطرف سازیم. برای انجام این قهول کارهای روشنگرانه، بطور مثال، در نیکاراگوئه، آنکولا و هندوستان مارش صلح ترتیب داده شد.

یک مشکل دیگر این است که چگونه زنان رنجبری را که در کارخانه های نظامی کار میکنند به جنبه زنان جلب کنیم. بطور مثال، آیا میتوانیم به آنها بگوئیم: "بیافید با هم علیه تسلیحات مبارزه کنیم؟" زیرا تحقق چنین شعاری بمعنی از دست دادن کار است. بنابراین باید این نکته را روشن کرد که در اینجا چه ارتباط متقابل وجود دارد و راه خروج ازین پست در کجا است. این کار را همیشه نمیتوان باسانی انجام داد.

یکی از ویژگیهای جنبه بین المللی زنان عملیات مستقلانه آنست. اینکه زنان راههای مبارزه ضد جنگ ویژه خود را یافته اند (راههایی که برای آنها مناسب است و شرکت کنندگان هرچه بیشتری را

جلب میکند) و بنظر ما، از دست آوردن های بزرگ سالهای اخیر است. این برای هر یک از واحد های صلح دوست حائز اهمیت بسیار است.

مايلم واقعيّت فعاليت شديد گروههاي فمينيست (Feminist) در بسياري از كشورهاي اروپاي غربي، امريكاي شطالي و استراليا بسود صلح را هم خاطر نشان سازم. جنبه فمينيست ها كه در دهه هاي گذشته دامنه قابل توجهي يافته بود تا آغاز سالهاي ۸۰ از مسائل صلح و خلع سلاح پر كار بود. ولى طي سالهاي اخير در مقابل با خطر جنگ سهم شاياني ادا كرد. تا پنج سال پيش از اين جنبه عناصر راديكال استفاده ميكردند. ولى بعد ها فمينيست راديكال كه ميخواست زنان را در نقطه مقابل ساير گروههاي اهالي قرار دهد و ميكوشيد توجه آنها را از مبارزات طبقاتي ضد جنگ منحرف سازد بتدريج مواضع خود را از دست داد. در اينجا سازمانهاي دموكراتيكي نفوذ هرچه بيشترى كسب ميكند و ذهن شركت كنندگان در جنبه روشن ميشود و اين جريان امكان ميدهد زنانى را كه داراي معتقدات كوناگون هستند متحد ساخته و بتدريج آنها را به فعاليت در راه صلح و عليه امپرياليسم، استعمار و استثمار جلب نمائيم.

نيروهاي وجود دارند كه ميكوشند جنبه هاي توده اي طرفداران صلح و از جمله جنبه زنان را متوقف سازند. اين جنبه هم از برون وهم از درون مورد حمله قرار ميگيرد. عليه مبارزان راه صلح تحريكاتي سازمان داده ميشود و در يك سلسله از كشورهاي سرمايه داري بويرحانه آنها را سر كوب ميكند. به نسبت تحكيم نيروهاي صلح دوست شيوه هاي مبارزه دشمنان آنها هرچه ظريف تر و روشن تر ميگردد. در جنبه زنان در راه صلح سازمانهاي هستند كه استقلال خود را اعلام ميكند. معمولاً آيسن كلمه مترادف با موضع ضد شوروي است. اگر ما ميخواهيم جنبه مؤثر باشد، مقابل با كسانيكه ميكوشند بوحديث ما زبان وارد آورند حائز اهميت است. از اينجا چنين نتيجه ميشود كه گستردن ترين وحدت نيروها بدون مقابله با دروغ و تحريف و جملاتي كه بظنظر منحرف ساختن ما و ايجاد پراكندگي در صفوف ما شايع ميكند بدست نخواهد آمد.

طبق آمار و ارقام سازمان ملل متحد زنان يعني اكثريت ساكنان سياره ما، فقط نزديك به يكه سوم سكه روي زمين را كه از لحاظ اقتصادي فعال هستند تشكيل ميدهند. هنوز هم در بسياري از كشورها تحصيل كردن و يا فقط با سواد شدن، ه پيدا كردن كار و استفاده از نعمت هاي ترقى و پيشرفت اجتماعي - اقتصادي براي زنان دشوارتر از مردان است. زنان وكودكان نخستين قربانيان بيدفاع هرگونه درگيري مسلحانه و هرقاقدام تجار و كارخانه اي ميشوند. سنگين ترين بار پي آمد هاي سياست غارت و چپاول امپريا - ليستي يا توسعه طلبانه، استعمار، نواستعمار، نژاد پرستي و آپارتيد و اشغالگري بيگانگان در واقع بدوش آنان است.

بهمين سبب است كه فعاليت گسترده ضد جنگ زنان با اشتراك توده اي نمايندگان آنان در پروسه

های آزاد بیخشم ملی، مبارزه برای دفاع از حقوق اقتصادی - سیاسی و اجتماعی خویش و توجه به رفاه و آسایش کودکان و حفظ حقوق مادران ارتباط نزدیکی دارد. یکی از مهمترین وظایف جنبش ما که به کشورهای در حال رشد کمک های گوناگونی میسراند، همبستگی با کسانی است که با امپریالیسم و سرکشی و انواع تبعیض نژادی مبارزه میکنند. این بویزه به کشورهای خاور نزدیک و جنوب افریقا و امریکای مرکزی مربوط است.

در کشورهای سرمایه داری و حتی در آنجا هم که برابری حقوق زنان و مردان بوسیله قانون اعلام گردیده این برابری عملاً تأمین نشده است. طبق آمار و ارقام سازمان بین المللی کار در ایس کشورها سه پنجم از بیکاران را که به ثبت رسیده اند زنان تشکیل میدهند. تبعیض در مزد کار زنان برای انحصارهای سرمایه داری سالانه دهها میلیارد دلار سود و منفعت در بر دارد. در این کشورها تعداد اندکی از زنان در ارگانهای رسمی و دستگاه دولت و اداره امور اقتصادی شرکت داده شده اند. در این شرایط است که زنان زحمتکش با قاطعیت هر چه بیشتری علیه استثمار، بیداد و استثمار اجتماعی و نقض حقوق خود مبارزه میکنند: آنها در اعتراضها شرکت میکنند و در تظاهرات اشتراک میورزند و در اتحادیه های کارگری فعالانه کار میکنند.

برای ما نمونه حل مسئله زنان تجربه سوسیالیسم موجود است که در آن اشتراک گسترده و بی حقوق کامل زنان در تمام عرصه های زندگی اجتماعی تأمین شده است. برخورد احترام آمیز به زنان و مواظبت و مراقبت از آنان از خود سرشت نظام نو ناشی میگردد و بیخ جدائی ناپذیر سیاست دولت است. محترمانه تدابیر گسترده ای بنظر بهبود هر چه بیشتر شرایط کار و زندگی زنان و از جمله در برنامه تازه حزب کمونیست اتحاد شوروی وجهات اساسی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی در سالهای ۱۹۸۶ - ۱۹۹۰ و دوران تا سال ۲۰۰۰ وجود دارد.

توجه روز افزون مردم جهان به مسائل مربوط به زنان در دهه زن که از طرف سازمان اجلاس جمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام شده بود آشکار گردید. این دهه که زهر شمار "برابری و پیشرفت و صلح" برگزار گردید، اینک پایان رسیده است. در آن هنگام و در سال ۱۹۷۵ که سال بین المللی زنان بود کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد در مکزیکو تشکیل گردید. آن کنفرانس بیانیه و برنامه جهانی اقدامات لازم برای ده سال را بتصویب رسانید. در آن اسناد که دارای خصلتی مترقی و ضد امپریالیستی بودند ارتباط ناگسستگی میان سه بخش شمار ده ساله بازنایب یافت. اعلام آن شمار از یکسو گواهی قبول نقش و مسئولیت زنان در جامعه و از سوی دیگر گواهی ضرورت تشدید توجه پارلمان ها و دولتها و جامعه به بهبود وضع آنان است.

در سال ۱۹۸۰ سازمان ملل متحد کنفرانس جهانی زنان را در کپنهاگ تشکیل داد تا جریان انجام برنامه جهانی اقدامات ویژه پنج سال اول را مورد بررسی قرار دهد و موانع عمده در راه

انجام آنها و امکان برطرف ساختن موانع را آشکار سازد. در آن کنفرانس برنامه تدابیری که در سطح ملی و بین المللی تا سال ۱۹۸۵ باید اتخاذ گردد تصویب شد. قرارهای کنفرانس کپنهاگ الهامات نامی برای تشدید مبارزه در راه تحقق هدفهای ده ساله بود.

سپس از اجلاس هی های منطقه ای که در سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۴ از طرف سازمان ملل متحد فرا خوانده میشد برگزار گردید: در ترکیب برای کشورهای آسیا و اقیانوسیه و در ریخداد برای کشورهای آسیای غربی، در آرو (تانزانیا) برای کشورهای افریقای شرقی و در هاوانا برای کشورهای امریکای لاتین و در وین برای کشورهای اروپائی. بالاخره در ژوئیه سال گذشته در ریخت کپنهاگ یعنی نایروس کنفرانس جهانی بنظر جمع بندی و ارزشیابی دست آورد های دهه زنان فراخوانده شد.

تدارک برای کنفرانس و خود جریان آن که از بزرگترین اقدامات جنبش جهانی زنان در سراسر تاریخ آن بود، در مبارزه شدید سیاسی میان نیروهای ترقی و ارتجاع انجام یافت. محافل امپریالیستی و مقدم بر همه ایالات متحد آمریکا میکوشیدند از بحث و مذاکره مسائل حاد دوران معاصر مانند مسئله صلح و سابقه تسلیحاتی و استقلال ملی و امنیت خلقها و عدالت اجتماعی و دموکراسی در نایروس مانعیت کنند. آنها نیز ضرورت بسنده کردن به بررسی مسائلی که فقط به زنان مربوط است را تبلیغ میکردند. ولی موفق به پیشبرد این تزنشدند. هم در جریان بحث و مذاکرات و هم در سند نهایی کنفرانس مسائل بزرگی که دارای اهمیت کلی و عمومی است در رأس مسائل دیگر قرار داشتند.

در نایروس بویضا از ده هزار نماینده از ۱۷۵ کشور گرد هم آمدند. کنفرانس استراتژی دراز مدت فعالیت در عرصه بهبود وضع زنان و تدابیر مشخصی برای برطرف ساختن موانع رسیدن به هدفها و انجام وظایف دهه زنان در دوره بعد یعنی در سالهای ۲۰۰۰-۱۹۸۶ را تهیه و تنظیم کرد.

همزمان با کنفرانس رسمی دولتی سازمان ملل متحد در نایروس کنفرانس اجتماعی بنام "جمع ۸۵" هم برگزار گردید که نزدیک به پانزده هزار تن نمایندگان زنان از تمام قاره ها در آن شرکت جستند. یکی از ویژگیهای مجمع این بود که تعداد زیادی از نمایندگان که از کشورهای سرمایه داری آمده بودند از مواضعی مغایر با مواضع هیئت های نمایندگی رسمی دفاع میکردند.

فدراسیون ما فعالانه در بحث و مذاکرات باز و گسترده شرکت کرد. منافع و مصالح عمده و معضلات جنبش معاصر زنان در این بحث و مذاکرات بازنایب یافت. اگرچه نمایندگان فدراسیون بین المللی نایروس موکراتیک زنان اقلیت کوچکی را در مجمع تشکیل میدادند در برترو وحدت و تشکل توانستند کار بزرگی را پیش ببرند و آرمانهای ما را برای تمام شرکت کنندگان تشریح نمایند و بدین ترتیب دامنه همکاری را گستر دادند. نتایج دیدارهای پانزده روزه زنان سراسر جهان در نایروس گواهی موفقیت چشمگیر نیروهای ترقیخواه بود.

ضمن ارزیابی نتایج دهه زنان و قدم بر هر چیز باید یاد آور شویم که اکنون مسائل مهم مربوط

بوضع زنان برای بحث و بررسی در سراسر جهان مطرح میگردد. بین کشورهای نیکه دارای نظام اجتماعی - سیاسی و سطح پیشرفت اجتماعی - اقتصادی متفاوت هستند تبادل تجربه بعمل میآید؛ راه حلهای مشترکی بشکل موافقتنامه، توصیه و قطعنامه تهیه و ارائه میگردد که هدف از آنها تأثیر در تنظیم قوانین مدنی ویراثیه حقوق است. اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در این امر نقش بزرگی ایفا کرده اند. آنها از جمله مبتکر طرح پیشنهاد و تهیه اسناد بین المللی مربوط بوضع زنان بودند. بهترین آنها قرارداد الفای تمام اشکال تبعیض نسبت بزنان است که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۹ بتصویب رسید و سپس اعلامیه مربوط به اشتراك زنان در كمك به حفظ صلح و همكاری بین - المللی است (سال ۱۹۸۲). آن قرارداد را تاکنون بیش از ۷۰ کشور امضاء کرده اند. اینک - ایالات متحده آمریکا در میان امضاء کنندگان نیست نمونه ای گویا است. پرارزترین نتیجه دهه بدون تئید، عبارت از این است که چندین هزارتن از زنان حالا مسئولیت خود را در مورد حل و فصل مسائل مهم حیاتی و افزایش امکانات برای تأثیر در سر نوشت صلح و ضرورت اقدامات مشترک بهتر درك میکنند. از یادآوری این موضوع خرسندیم که توجه به جنبش زنان از طرف احزاب کمونیست و کارگری و همچنین سازمانهای سندیکائی در بسیاری از کشورهای طی دوران گذشته بیوزان قابل توجهی افزایش یافته است. بطور مثال، در برنامه حزب کمونیست آلمان که در سال ۱۹۷۸ در کنگره مانهایم بتصویب رسید خواستهای چندی در ارتباط با مسئله زنان گنجانده شده است. این بخش از برنامه بعدها تکمیل گردید و تحت عنوان "در راه سیاستی دموکراتیک برای زنان، اصول و خواستههای حزب کمونیست آلمان" در هشتمین پلنوم هیئت رهبری آن (در اوت سال ۱۹۸۳) به تصویب رسید. پوست و چهارمین کنگره حزب کمونیست فرانسه که در سال ۱۹۸۵ برگزار شد اعلام داشت: "حزب ما حزب آزادی زنان است". مطالعه و بررسی برنامه ها و اسناد و مدارك کنگره های احزاب کمونیست ایالات متحده، دانمارک، فرانسه و جمهوری فدرال آلمان و تعداد دیگری از احزاب کمونیست و کارگری امکان میدهد خطوط مشترک سیاست کمونیست ها را در ارتباط با جنبش زنان در مرحله کنونی بباییم. تجزیه و تحلیل عمیق تضاد میان نقش فزاینده زنان در تمام عرصه های زندگی در جامعه سرمایه داری و در درجه اول در عرصه اقتصاد و تبعیض مداوم نسبت به آنان از خصوصیات این سیاست است. کمونیست ها بطور فعال از برابری زنان در زندگی اقتصادی - سیاسی و جلب آنان به اتحادیه های صنفی و گسترش قابل توجه نمایندگان زنان در مشاغل دولتی و رهبری سازمانهای اجتماعی طرفداری میکنند.

علاوه بر این سالهای اخیر نشان دادند که تحقق هدفهای دهه زنان پروسه ای متضاد و غیرنچتر از آنست که جمعیت بین المللی در سال ۱۹۷۵ احتمالاً تصور میکرد. فعلاً در نتیجه سیاست زیانبار امپریالیسم و ویژه امپریالیسم آمریکا در انجام کامل آنچه در نظر گرفته شده بود توفیق حاصل نشده است. وقتی منابع قشرهای انبوه زحمتکشان فدای منافع انحصارها میگردد و برابری واقعی نمیتواند وجود داشته

باشد. وقتی صدها میلیارد دلاری که برای تأمین محل کار، آموزش و پرورش، بهداشت و کمک به مادران و کودکان ضرور است در راه مسابقه تسلیحاتی بی معنی و خطرناک برای جامعه بشری بصرف میرسد پیشرفت اجتماعی و موفقیت آموز صلح هم نمیتواند برقرار باشد. به همین سبب مسئله عدله ای که میان تمام مسائلی که زنان را نگران میدارد باید از اولویت برخوردار باشد همان بهارزه علیه خطر جنگ، در راه انهدام سلاحهای که گرد آمده و مقدم بر همه انهدام سلاح هسته ایست. اتحاد روزافزون به نیروی خود و نیروهای صلح و ترقی به ما زنان امکان میدهد به آینده با خوبی بینی بنگریم و با انرژی بیشتری خواستار تحقق آرمانهای والای جنبش زنان بشویم.

بقیه از صفحه ۱۰

مجمع کمونیست های شوروی نتیجه گیریها و قرارهای آن برای تحکیم نیروهای دموکراتیک، صلح و ضد امپریالیست تأکید ورزیدند. آنها میگفتند کنگره بهارزه برای سالم سازی وضع جهان به ازگشت به کاهش تشنج و خلع سلاح مرحله به مرحله و برای اینکه جامعه بشری با اطمینان به قرن بیست و یکم کام نهد نیروی تازه ای بخشید. هیئت نمایندگی ما با این ارزیابی کاملاً موافق است.

- ح. م. لاناو: عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آرزائتین، عضو هیئت تحریریه و شورای هیئت تحریریه مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم".
- او. کریشان: عضو شورای ملی حزب کمونیست هندوستان، عضو هیئت تحریریه و شورای هیئت تحریریه مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم".
- ک. کویا پفسکی: نماینده حزب کمونیست آلمان در شورای هیئت تحریریه مجله.

روزنامه بشکل تازه ای چاپ می شود

اکنون چند ماه است که (از اکتبر سال ۱۹۸۵) روزنامه "اومانیته" ارگان کمیونسیت های فرانسه بشکل تازه ای منتشر میشود. آنچه بلافاصله جلب توجه میکند کوچکی ابعاد آن و در عین افزایش ستونهای روزنامه از ۱۲-۱۰ ستون تا ۲۰-۲۴ ستون است. ولی اینها فقط ظاهر روزنامه است که تغییر پیدا کرده است. لروا عضو پیرویی سیاسی حزب کمیونسیت فرانسه و مدیر روزنامه تأکید میکند که در این تغییر و تبدیلی آنچه مهم و عمده است این است که باید روزنامه را هم از لحاظ بیان ساده سیاست حزب کمیونسیت فرانسه و هم از لحاظ مقابله با تبلیغات پرزواشی و توضیح مهمترین مسائل سیاست داخلی و خارجی شش بخش تر گرداند یعنی که باید کاری کرد که بتواند خواستههای گوناگون خوانندگان را برآورده سازد.

بهمین منظور به تعداد و حجم موضوعاتی که بچاپ میرسد افزوده شد و این امکان میدهد که بسیاری از مسائل اقتصاد و دگرگوش های انقلابی جامعه و فرهنگ و تاریخ و پیشرفت تفکر اجتماعی و مانند اینها بطور منظم روشن شود.

با در نظر گرفتن پیشنهاد خوانندگان صفحه ای به پست هیئت تحریریه اختصاص داده شده است. بطور منظم فعالین حزب و مهندسين و کارگران و کسانی که از خود ابتکار و خلاقیت نشان میدهند و یعنی تمام شرکت کنندگان در آن اتحاد تازه ای از اکثریت مردم که حزب کمیونسیت فرانسه در راه ایجاد و استحکام آن مبارزه میکند در صفحات روزنامه با بیانی ادبی به خوانندگان معرفی میشوند.

"اومانیته" از راه جلب خوانندگان به اشتراك بیشتر در کار آن هم تکامل پیدا میکند. لروا قید میکند که روزنامه بکمک آنان هرچه آشکارتر به شخصیت فعالی در زندگی اجتماعی و سیاسی کشور مبدل میشود. خوانندگان بدعوت روزنامه "اومانیته" بطور فعال در تظاهرات علیه اخراج کارگران شرکت کردند و در انتشار شماره های ویژه روزنامه که مسائل حقوق بشر نقش حزب کمیونسیت فرانسه در جنبش مقاومت را روشن میساخت کمک کردند و از اقدامات گسترده ای پشتابانی بعمل آوردند که هدف آنها آزادی نلسون ماندلا نیپن پرست افریقای جنوبی بود.

پس از تغییر شکل و مضمون "اومانیته" کمیونسیت ها امیدوار بودند که تیراژ آنها بالا برود. هم اکنون

این نتیجه بطور محسوس بدست آمده است. بطوریکه افزایش تعداد کسانی که بتازگی روزنامه را آهسته شده اند و همچنین حجم تیراژ بفروش رفته نشان میدهد. ۲۳ درصد در همان ماه اول به خواستاران روزنامه افزوده شده است. تعداد خوانندگان فعلاً در شهرهای بزرگ خیلی زیاد شده است. بطور مثال در پُرد و (۴۵ درصد) در هاور (۵۰ درصد) در روان (۳۹ درصد). بطوریکه از مطالب مندرج در روزنامه برمیآید این پدیده به معنی آنست که برای جلب خوانندگان هر چه بهتر هنوز امکانات و ذخایر زیادی وجود دارد.

لروا مینویسد بگواهی نامه هایی که بما میرسد گاهی را که برای تغییر شکل و مضمون روزنامه برداشته شده و هم اکنون میتوان گاهی موفقیت آمیز بشمار آورد. خوانندگان معتقدند که روزنامه "اومانیته" حالا تندتر و با روح تر شده و خصیلت تعرضی پیدا کرده است و اندیشه ها و پیشنهادات حزب کمیونسیت فرانسه اکنون در آن روشن تر بیان میگردد. مدیر روزنامه تأکید میکند که باید در آینده نیز این راه را ادامه داد تا سیاست حزب کمیونسیت میان زحمتکشان، مؤسسات و ساکنان محلات کارگری هم بطور شش بخش تری تبلیغ شود و بدین ترتیب به وحدت نیروهای گسترده تری که روزنامه بیانگر خواستهها و منافع آنانست یاری رسانیم.

خرافات قرون عقب زده میشوند

فاطمہ احمد ابراہیم

عضو کمیٹہ مرکزی حزب کمیونسٹ سودان
رہبر اتحادیہ زنان سودان

— در آغاز اجازه بدهید بشما سئوالی بدهم کہ کاملاً جنبہ خصوصی دارد . راه زندگی کمیونسٹها در کشوری مانند سودان ، هیچوقت راه ساده و آسانی نبوده است . اقرار معلوم ، این راه برای شما دہار دشوارتر بوده است ، زیرا زنی کہ در جامعهٔ اسلامی راه مبارزہ اجتماعی را برگزید بطور اجتناب ناپذیرگی خرافات بے شمار روبرو میشود کہ مانع فعالیت سیاسی وی میگردد

... آری ، البته حق با شما است . ولی من از همان آغاز در زندگی خوش شانسم بوده ام ؛ من در خانوادہ ای بدنیا آمدم کہ زن از احترام فراوانی برخوردار است . پدر من فرد تحصیلکرده و موقراً منشی بود کہ نسبت بہ مصالح و نظریات پسران و دختران خود حسن تفاهم نشان میداد . من از کودکی تحت تأثیر برادرانم قرار داشتم . آنها در فعالیتہای حزب کمیونسٹ شرکت میکردند . آنها کسب و نشریات مارکسیستی بمن میدادند کہ بخوانم و مسائل دشوار را برایم توضیح میدادند . برادرانم مرا با آ . محجوب دبیرکل کمیٹہ مرکزی حزب کمیونسٹ سودان آشنا کردند . در سال ۱۹۵۴ من عضو این حزب شدم .

باید بگویم کہ آنوقت میان من و پدرم اختلاف نظر شدیدی بوجود آمد ، زیرا او معتقد بود کہ عضویت در حزب کمیونسٹ سودان بمعنی قطع ارتباط با دین اسلام است و میگفت کار حزبی با تصورات و سنن مربوط بہ نجابت زن در یکجا نمیگنجد . سازمان " اخوان المسلمین " پدرم را بمعنی واقعی کلمہ راحت نمیکند است و از او میخواستند مرا مجبور بہ استعفا از حزب کند . ناچار بودم مدت درازی او را قانع کنم کہ مبارزہ در راه عدالت و برابری وظیفہ استثمار انسان بوسلۂ انسان مخالفت با اسلام نیست . بالاخرہ این بحث و گفتگو بدانجا منجر شد کہ پدرم ہم بہ فعالیت کمیونسٹها علاقمند شد و بتدریج بہ جانبداری از آنها پرداخت . حتی مادرم ہم بتدریج بہ فعالیت اجتماعی جلب شد و در جمع آوری امانہ برای حزب بما کمک میکرد .

اندکی بعد من شوهر کردم . او انسانی نیک نفس و شریف و از رہبران حزب کمیونسٹ سودان بود .

نام او شفیع بود (۱) . ما یک خانوادۂ واقعاً کمیونسٹ بودیم . شوهرم بمن خیلی کمک میکرد . او همیشه میگفت ما راہی را انتخاب کردہ ایم کہ با شکوفہ و گل فرش نشدہ ، بلکه بعکس پراز مخاطرات و رنج و ذاب است . رژیم نظامی نسیری او را بپہلاکت رسانید . این ضربہ سنگینی برحزب بود . من دیگر از خودم چیزی نمیگویم . وقتی از پہلاکت رسیدن شوهرم با خیرشدم از شدت غم و اندوه حتی نمیتوانستم گریسہ کنم

نسیری دیکتاتور میخواست مرا زندانی کند . ولی من بیمار بودم و در اثر فشار افکار عمومی ، زندان را بہ تحت نظر بودن در خانہ تبدیل کردند .

مطلب دیگری را ہم میخواہم بگویم . وقتی مردم فہمیدند کہ من شوهرم را از دست دادہ ام ہا پسر کوچکم تنها ماندہ ام از سراسر سودان و حتی از خارج - از سازمانہای سندیکائی سورہ ، کویت و قبرس برای ما ہدیہ و حوالۂ پستی بول فرستادند . پس از درگذشت شفیع ، ما حتی یکروز ہم احساس تنہائی نکردیم . من خود را بہر دم و دوستان خارج از سودان مدیون میدانم . مبارزہ ما ادامہ دارد و من از اینکہ در آن شرکت دارم احساس خوشبختی میکنم .

— از کمکہای کمیونسٹها در پیشرفت و گسترش جنبش زنان در سودان برای ما تعریف کنید .

— حزب کمیونسٹ سودان از آغاز تأسیس خود در سال ۱۹۴۶ درہا را کاملاً بروی زنان بساز گدارد ، در صورتیکہ در سایر احزاب راہ یافتن زنان بہ عضویت در حزب عملاً غیر ممکن بود . کمیونسٹها بہتکر ایجاد سازمان زنان در کشور بودند . بعدہا ، موضع پیگیر حزب کمیونسٹ موجب پیدایش سررز دقیق میان نیروہای شرقی و ارتجاعی در جنبش زنان گردید . ہستۂ اصلی وحدۂ جنبش زنان را اتحادیہ زنان سودان تشکیل میدہد کہ یک سازمان شرقی است و من در فعالیت آن پیش از برقراری دیکتاتوری نسیری شرکت جستم .

در اتحادیہ اساس نظریات ما را این اندیشہ تشکیل میدہد کہ بہبودی بنیادی در وضع زنان سودان ازحل و فصل مسائل کلی بجامعہ جدائی ناپذیر است . بہمین سبب فعالیت ما در جنبہ تجدید سازمان زندگی اجتماعی و دموکراتیزہ کردن آن و ایجاد شرایط مساعدتری برای برطرف ساختن پی آمد های ناگوار دوران حاکمیت دیکتاتوری نظامی است . فعالیت در راہ حقوق زنان یکی از جہات مبارزہ سیاسی ہمگانی ملی است کہ کمیونسٹها و تمام نیروہای شرقی کشور انجام میدہند .

میخواہم تأکید کنم کہ اتحادیۂ ما در فراہم ساختن شرایط برای سرنگون ساختن رژیم نسیری شرکت مستقیم داشت . وقتی در سال ۱۹۷۱ دولت اتحادیۂ زنان سودان را منحل کرد ما سازمان مخفی بوجود آوردیم کہ فعالیت علنی را با کار نیمہ مخفی و مخفی تلفیق میکرد .

۱ - شفیع احمد الشیخ عضو بہر خانۂ کمیٹہ مرکزی حزب کمیونسٹ سودان و صدرفد راسیون کارگران سندیکائی سودان بود کہ روزیۂ ۱۹۷۱ او را بازداشت و اعدام کردند . ہیئت تحریریۂ

مقاومت در مقابل دیکتاتوری خصلت گوناگون داشت. ما راه پیمائی زنان خانه دار را سازمان میدادیم که کاهش بیهای کالاهاى ضروری اولیه را خواستار میشدند و در میان خانواده هاى که نزدیک و خویشتراوندان آنها زندانى شده بودند کارو فعالیت میکردیم و خواستار آزادی کامل زندانیان سیاسى والنسای قوانین ارتجاعى میشدیم که رژیم وضع کرده بود. ما زنان را برای تظاهرات زیر شعار «لننسى ساختن اتحادیه زنان سودان و سایر سازمانهای دموکراتیک و مخالفت با ایجاد پایگاههای نظامی در سودان» بسیج میکردیم. اتحادیه مجله ویژه خود را مخفیانه منتشر میکرد. مجله رژیم دیکتاتوری و طرفدار آن از امریکارا افشا میکرد و عدم امکان حل و فصل مسائل کشور با گزینش راه سرمایه داری را روشن مینمود. تمام اینها بدون تردید و به اعتلای جنبش زنان سودان و افزایش نفوذ و اعتبار آن یاری رساندند.

— اتحادیه شما در حال حاضر پس از سرنگونی رژیم نظامی در چه جهتی فعالیت میکند؟

— اکنون اتحادیه زنان سودان بطور عینی فعالیت میکند و این امر هم البته موجب افزایش و گسترش فعالیت آن شده است. ما عضو اتحادیه رهای ملی هستیم که اکثر احزاب سیاسى (از جمله حزب کمونیست) اتحادیه های کارگری و سازمانهای اجتماعى را متحد میکند. ما تصمیم گرفته ایم در انتخابات همگانی که در آوریل سال ۱۹۸۶ برگزار میگردد شرکت کنیم.

یکی از هدفهای عمده سیاست ما بدست آوردن حقوق برابر با مردان برای زنان سودان است. در قانون اساسى موقتى که در سال گذشته به تصویب رسید چنین ماده ای وجود دارد. ولی تا علسی شدن آن هنوز راه درازى در پیش است. بخرنجی مسئله زن در سودان تا حد ودى زیادى به نفوذ اسلام ارتباط دارد. محافل مذهبى بهرزه جمعیت "اخوان المسلمین" همواره با آزادی زنان مخالفت کرده اند و کوشیده اند از هرگونه نوآوری مرفق در قوانین مربوط به خانواده جلوگیری کنند.

برای رد استدلال های آنان ما ناچار شدیم ۰۰۰ اسلام را مورد بررسی قرار دهیم. آری ما تفسیرهای گوناگون مسائل مذهبى را مورد بررسی و مطالعه قرار دادیم و این نتیجه رسیدیم که مانع عمده در راه آزادی زنان بیشتر توضیح دهندگان و تفسیرکنندگان آن از جرگه روحانیون مرتجع میباشد تا خود اسلام. اتحادیه زنان سودان از این دلیل در مبارزه برای تجدید نظر در قوانین مربوط به خانواده بهره برداری میکند. ما موفق شده ایم دولت را مجبور کنیم مواضع مرفق را در این قوانین وارد کند. بطور مثال موادی را که امکانات معینی بدختران برای انتخاب همسر خود میدهد.

اکنون و بنظر من و این وظیفه در برابر ما قرار دارد که اتحادیه زنان سودان را به سازمان وسیع توده ای تبدیل کنیم که مکتب شریکى بنظر آورده ساختن و پرورش و تربیت کادرها برای کار میان زنان بشود. سطح نازل فرهنگ و تحصیلات زنان مانع جدی در راه رشد جنبش آنانست. به همین سبب ما توجه فراوانی به فعالیت های روشنگرانه میدول میداریم. بطور مثال دوره های سوادآموزی تشکیل میدهم و درباره جنبه های گوناگون "مسئله زن" و مسائل خانواده و حفظ تندرستی زنان و مانند اینها

برای زنان سخنرانی میکنیم.

رادیو و تلویزیون در این عرصه میتوانند خیلی کمک کنند. ما با رؤسای این مراکز درباره تهیه برنامه های فرهنگی - روشنگرانه برای زنان مذاکره کرده ایم و توافق رسیده ایم. علاوه بر این نمایندگان سازمان ما امکان یافتند هفته ای دو بار در رادیو و یکبار در تلویزیون برنامه اجرا کنند و همچنین در برنامه های ویژه ای که بطور مثال به مسائل بهداشتی یا خانه داری اختصاص دارند شرکت دارند.

متأسفانه متقاعد ساختن زنان عادى سودان به اینکه از تصورات کهن و خرافاتی خود درباره مقام زن در جامعه دست برداشته و چیزهای تازه ای فراگیرند ویا اینکه عادات و رسوم یکساخت زندگی را بدور اندازند کار دشوار است. آنها یهن از هر چیزی به آن نوع اقدامات ما روی خوش نشان میدهند که به دایره کارهای روزانه و گرفتارهای معمولی آنان مربوط میشود. بطور مثال باعلاقه بیشتری به کلاسهای خیاطی میآیند تا کلاسهای سوادآموزی. هنوز بسیاری از زنان علاقه ای به دانش و کسب معلومات و خواندن روزنامه و کتاب نشان نمیدهند. یاد گرفتن خیاطی و دوخت و دوز چیز دیگری است. سودمندی این کار کاملاً روشن است. زیرا نه فقط میتوان برای تمام افراد خانواده خود لباس دوخت بلکه میتوان از دوختن لباس برای دیگران هم درآمدی پیدا کرد.

ما در تأثیر این قبیل کلاسهای کارآموزی مبالغه نمیکیم. با وجود این در این کلاسها زنان امکان پیدا میکنند دایره معاشرت خود را گسترش دهند و از زندگی یکساخت خانوادگی رهایی یابند. این هم نخستین گام برای جلب تدریجی آنان به عرصه های گوناگون فعالیت اجتماعى است.

کارو فعالیت اتحادیه زنان سودان بنظر بسیج زنان برای مبارزه ملی همگانی و دگرسازی جامعه بر پایه مبنای دموکراتیک که به خیر و صلاح بهبود زندگی تمام مردم و از جمله زنان کشور باشد از تمام آنچه برشودیم تشکیل یافته است.

مردم افغانستان را زیاد تحت تأثیر قرار نداده بود . نفوذ الیسم در کشور ما نتوانست روابط قبیله‌ای - طایفه ای را بسرعت و بطور کامل از بین ببرد . بلکه به عکس با دموکراتیسم ابتدائی و بدوی آن درگیری دراز مدتی پیدا کرد . سرمایه داری در آستانه انقلاب چندان رشد نکرده بود . سنن دموکراسی قبیله ای - طایفه ای در خاطره اجتماع مردم باقی بود و در شرایط فوق العاده دشوارگاه و بیگانه بروز میکرد . این سنن که در دوران حاکمیت ظاهرشاه و داود (۱) سرکوب میشدند و تحقق خود را بطور غیرمتشکل و طبیعی الزام میکردند و این امر در آستانه انقلاب در انتظارات عموم مردم برای پیدایش تغییر و تحول نمایان میشد . انقلاب با برآوردن این انتظارات و در عین حال امکانات کافی برای خلاقیت آزاد توده ها را هم حفظ میکرد .

در ارتباط با این موضوع مایلیم اندیشه شهروز لنین را یادآور شوم که پس از پیروزی اکتبر کیسر در روسیه لزوم پیگیری و استمرار وظایفی را که در جریان پیشرفت پیروسی انقلاب پدید میآید خاطر نشان میساخت . او تأکید میکرد که بدست آوردن حاکمیت سیاسی بطور اتوماتیک تمام مسائل انقلاب را حل نمیکند . گام بعدی هم که عبارت از در دست گرفتن اهرمهای اداره امور کشور است بهمان اندازه حائز اهمیت میباشد (۲) .

این اندیشه برای افغانستان کمونی اهمیت بسیار دارد . معلوم است که پیروزی انقلاب شورویست تمام مسائل جامعه ما را حل و فصل نماید . برای حل آنها مساعی فراوان توده های انبوه زحمتکشان برهبری حزب انقلابی لازم است و این امر هم مستلزم دموکراتیزاسیون گسترده و جلب تعداد هرچه بیشتری از مردم به اداره امور کشور و تحقق دگرگونیهای بنیادی اجتماعی - اقتصادی است .

در شرایط کشوری کم رشد با سطح نازل آگاهی قشرهای اساسی اهالی (کافی است یادآور شویم که تا همین چندی پیش نبود درصد افغانی ها کاملاً بیسواد بودند) دموکراتیزاسیون گسترده نا بهنگام بنظر میآید . اینطور تصور میشود که در آغاز کاری دراز مدت برای تجدید تربیت مردم لازم است تا آگاهی اکثریت زحمتکشان تا سطح درک ماهیت و وظایف دموکراتیسم بالا برود .

ولی این را باید در نظر گرفت که : انقلاب ملی - دموکراتیک تغییر دیر در اصطلاح یکی از سطوح " اولیه " میباشد و فقط بمعنی آغاز کار در راه ساختمان جامعه نو است . این انقلاب معمولاً در کشور های کم رشد که در ساختار اجتماعی - طبقاتی آنها قطبیت بوجود نیامده انجام میگردد و هدفهای معینی را دنبال میکند که دست یافتن به آنها با منافع اکثریت قاطع اهالی مطابقت میکند . عدم درک کافی

۱ - محمد ظاهرشاه آخرین پادشاه افغانستان در سال ۱۹۷۳ کتارگذاشته شد . رژیم محمد داود که بجای رژیم سلطنت برقرار گردید در نتیجه انقلاب سال ۱۹۷۸ ساقط شد . هیئت تحریریه .

۲ - و . ای . لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روس) ، جلد ۲۶ ، صفحه ۱۷۲ .

سنن ملی در خدمت به انقلاب

محمود باریالای

عضو مشاور بوروی سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

سال گذشته رویداد های برجسته ای برای کشور ما دربر داشت که : لویه جرگه ، آغاز انتخابات جرگه های محلی و جرگه عالی طوایف مرزی از جمله آنها است . معنی لغوی جرگه " دایره " یا شورای گسترده مردمی است که برای مشورت در اطراف این یا آن مسئله مهم گرد هم میآیند (لویه جرگه هم بمعنی شورای بزرگ و وسیع است) . تاریخ پیدایش جرگه را باید در اعماق قرون جستجو کرد . جرگه از دیرباز دموکراتیک ترین وسیله حل و فصل مسائل زندگی قبیله ای بوده که زائیده دموکراتیسم قبیله ای - طایفه ای است . سنت فراخواندن جرگه را به این یا آن شکل میتوان در جریان تمام تاریخ خلقت افغانستان مشاهده کرد . افغانستان بدین معنی کشور جرگه ها است .

طبیعتاً این پرسش میتواند مطرح شود که انقلاب سنن نظام قبیله ای - طایفه ای را بچه سبب حفظ میکند ؟ اینطور بنظر میرسد که انقلاب باید اشکال تازه ای سازد نه اینکه به سنن کهن بازگردد . ولی ، اینجا باید اصل مارکسیستی - لنینیستی مربوط به مقام و جای نفی در پیروسی پیشرفت را یادآور شویم . بطوریکه میدانیم ، لنین که نفی را از بهترین عناصر دیالکتیک بشمار میآورد ، این جنبه را دقیق تر روشن میکند که صحبت نه بر سر نفی مطلق ، بلکه بر سر نفی بمنزله لحظه ای از ارتباط لحظه ای از پیشرفت ، با حفظ مثبت است " (۱) .

ویژگی اصول انقلاب شور (آوریل) سال ۱۹۷۸ در این است که در عین اینکه حامل و هدای اندیشه های دگر سازی جامعه بود در اساسهای برنامه ای خود بنیادی ترین ارزش ها ، آرمانهای سنتی دموکراتیسم قبیله ای - طایفه ای و فراخوان به آزادی و برابری و عدالت اجتماعی را هم که در دین اسلام وجود دارد منعکس میکند . باید یادآور شد که شاپلون ها و کلیشه های صورت بندیهای اجتماعی - اقتصادی دوره های بعدی که زائیده مناسبات استعماری بودند تفکر و ذهن توده های

۱ - و . ای . لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روس) ، جلد ۲۶ ، صفحه ۲۰۲ .

تضاد های طبقاتی آشتی ناپذیر و ضعف بروز آنها برای وحدت اکثریت توده ها برپایه گسترده سلی -
د موکراتیک ایگان فراهم میآورد .

د افغانستان این حکومت انقلابی بود که یک سلسله گامهای دلبرانه و قاطع در راه د موکراتیزه
کردن زندگی اجتماعی - سیاسی برداشت نه رژیم های گذشته ای که یکدیگر را عوض میکردند . درک
صحیح اشکال چنین د موکراتیزاسیونی با ارزیابی نقش سنت ها در تاریخ و واقعیت کنونی کشور ما ارتباط
ناگسنتی دارد . این نقش ه بدون مبالغه نقش عظیمی است . همانطور که ک . مارکس تأکید کرد سنتها
در لحظات معین و در شرایط معینی میتوانند در حالت روانی توده ها تأثیری بسیار شدیدتر حتی از
عوامل اقتصادی داشته باشند (۱) . در اینجا هم آنچه حائز اهمیت و عمده است ه توانائی استفاده
درست از سنت ها برای حل مسائل انقلاب است .

در ارتباط با این موضوع مراجعه حزب د موکراتیک خلق افغانستان به سنن دیربای خلق ما بسیار
طبیعی بنظر آید . درک وید بهره د موکراس انقلابی برای توده ها از طریق اشکال معینی که بطور
تاریخی برقرار گردیده خیلی ساده تر و آسان تر است . دور دیگری از ما هیچ دیالکتیکی پیشرفت و تکامل
انجام می پذیرد که امکان میدهد نوراً با اتکاء به سنتی که شکل مسراجمه بناراه
عمومی بخود گرفته همانیم . بدین ترتیب بردی قابل توجه دست میدهد و آن اینکه مضمون
انقلابی بشرکی که بوسیله سنت ها روشن گردیده و بنا براین برخوردار منفی آشکاری برنی انگیزد و برای
آگاهی معمولی توده ها کاملاً قابل پذیرش است ه بطور واقعی تثبیت میگردد . بدین ترتیب تربیت
تدریجی مردم از کهنه و فادی به نو و شناخته نشده انجام میگردد . مردم با تجربه سیاسی ویژه خود
طرز تفکر انقلابی و پیشرو را یافته و فرامیگیرند .

باید قید کرد که پروسه د موکراتیزاسیون زندگی اجتماعی - سیاسی در کشور ما در نتیجه اشتباهات
جدی و خطاهای فاجعه آمیز بفرنج گردید . اقدامات خیانت آمیز ح . امین و دار و دسته او زبان
عظیمی به انقلاب وارد آورد . اینکه پروسه د موکراتیزاسیون در شرایط گسترده بی سابقه جنگ اعلان نشدنی
که امپریالیسم و دست نشانده گانه علیه افغانستان انقلابی آغاز کرده اند ادامه دارد . دامنه جنگ
و شقاوت بی اندازه ضد انقلابیون بدون تردید مانع تحقق فوری و پیگیر این پروسه است . اما ه درست در
چنین شرایطی است که هر گامی در راه استحکام و گسترش د موکراس اهمیت ویژه ای کسب میکند ه زیرا
با دفاع از دست آورد های انقلاب و تأمین دگرگونیهای انقلابی در ارتباط است . مبارزه علیه ضد
انقلابیون برای توده های مردم به مبارزه در راه حاکمیت ه آزادی و استقلال خود مبدل میگردد . اما
ضد انقلابیون در وضع بسیار دشواری قرار میگیرند ه زیرا مخالفت با انقلاب حالا بمعنی مخالفت با سنن
دیربای خود گردانی د موکراتیک مردم است که انقلاب از آنها دفاع میکند . پی آمد چنین اقداماتی

۱ - ک . مارکس و ف . انگلس ه مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۱۰ ه صفحات ۶۳۴ - ۶۳۲ .

حکومت ضد انقلاب به تحمل محدودیت مداوم زمینه اجتماعی خویش است .

از آنچه گفته شد معلوم میشود که استفاده از اشکال سنتی د موکراس طایفه ای جرگه امیر احزاب
ما بشرله همپیوندی و درهم آمیزی آنها با وظایف دگرگونی های بنیادی انقلابی اجتماعی - اقتصادی
و ساختن جامعه نو بشمار میآورد . اگر باختصار بگوئیم ماهیت استراتژی حزب د موکراتیک خلق
افغانستان در مرحله کنونی انقلاب ملی د موکراتیک عبارت از تحکیم و گسترش حاکمیت انقلابی بوسیله
د موکراتیزاسیون گسترده و پیگیر آن است . باید تأکید کرد که فدرالیسم و رجزیان کند و کاو تئوریک جدی و دراز مدت
و کار پراتیک دقیق و پرشکبک به این نتیجه رسیدهیم . این نظریه نوعی جمع بندی نتایج مبارزه بیست ساله
تجزیه و تحلیل علمی ه انطباق خلاق آموزش مارکسیستی - لنینیستی و تجارب فراوان جمعی احزاب
برادر به شرایط بفرنج و ویژه واقعیت افغانستان میباشد . این را هم باید قید کنیم که اینک
ما از آن بهره میگیریم ه پیش از هر چیز بفر مرحله تحول تازه پیشرفت پروسه انقلابی در کشور ما است . اگر
چه اندیشه های اساسی و اصول این مکتب در دوران تدارک انقلاب شور و رجزیان فاز (مرحله اول) آن
فراهم میآید ه تحقق کامل آن فقط با آغاز مرحله تازه میسر گردید .

برای اینکه برخورداری که در بالا بدان اشاره کردیم زیاده تخیلی و تجریدی بنظر نرسد برخی از اجزا
علمی (پراتیک) تحقق نظریه استراتژیک حزب را که در پلنوم های اخیر کمیته مرکزی حزب د موکراتیک
خلق افغانستان دقیق و مشخص شده است مورد توجه بیشتری قرار میدهم . نقش رهبری و هدایت
کننده حزب د پیشرفت جامعه افغانستان در واقع در این امر نمایان میگردد که تصمیمات آن سرمنشأ
گامهای اصولی به پیش است .

از ۲۳ تا ۲۶ آوریل سال ۱۹۸۵ در کابل لویه جرگه نمایندگان برگزیده قشلاقها ه ایالات ه ولایات
نواحی ه شهرها و استان های جمهوری د موکراتیک افغانستان برگزار شد . نمایندگان جرگه در ۲۹ جرگه
استانها (یعنی در تمام استانهای کشور) انتخاب شدند . پیش از آن جرگه هائی در سطح پائین تر
تشکیل شده بود . انتخابات کاملاً مطابق با سنن ملی و تاریخ مردم افغانستان و برپایه رأی گیری آزاد
و د موکراتیک ه طبق موازین شرعی ه انجام گرفت . روز هفتم ۱۷۹۶ نماینده انتخاب شد . ۱۱۶۰ در
صد انتخاب شدگان را کارگران ه ۲۶ درصد را بازرگانان و سرمایه داران تشکیل میدادند . ۲۵ درصد
صد از نمایندگان هم از میان روسای ایلات و قبایل و شخصیت های معتبر اجتماعی انتخاب شده بودند .
یک پنجم از شرکت کنندگان در لویه جرگه از اعضای حزب د موکراتیک خلق افغانستان و با از اعضای
آزمایشی آن بودند . ما ارقام مربوط به ترکیب نمایندگان را خصوصاً بدین سبب آوردیم که آنها خلعت
د موکراتیک گسترده این مجمع را دقیقاً منعکس میکنند . در اینجا تمام خلق ها و قبایل و همه گروههای
اجتماعی اهالی کشور نمایندگی داشتند .

البته این لویه جرگه نخستین جرگه در تاریخ افغانستان نبود . رژیم سلطنت و رژیم رجعای داود

میکوشیدند از سنن د موکراتیک خلق بسود خود بهر پرداری کنند ولی در ضمن حتی در اندیشه مراعات ظوا هر د موکراسی هم نبودند . بطور مثال لویه جرگه سال ۱۹۲۷ که برای تصویب رساندن قانون اساسی کشور فراخوانده شده بود فقط ۴۰۰ نماینده داشت . بیهی از نیس از آنها هم انتخاب نشده بودند و آنها را رئیس دولت وقت منصوب کرده بود . از " انتخاب " سایر نمایندگان هم فقط با امانت و ولی مسئولان صحبت کرده نمایندگان نامطلوب را کنار میگذاشتند و رای گیری آزادیا اصولاً انجام نمیشد و با صحنه سازی مسخره ای جای آنها میگرفت که " نمایندگان " افرادی متردد و بی شخصیت بودند یا روشن و آشکار مزدور و دست نشانده . مثلاً باین فاکتکه خود نمونه پارزی است توجه کنیم : تحت فشار نیروها " چپ دولت خود ناچار شد اعتراف کند که در کابل و شهرهای مانند پروان و شهرستان مینچه کوه و قره باغ و در بسیاری از نقاط دیگر انتخابات " غیر دموکراتیک " انجام شده بود یعنی انتخابات جعلی و تقلبی بوده است . بیهی از داود هم پادشاهان و دولت های آنها همین کار را میکردند .

برای کسانیکه بدون پیشداوری قضاوت میکنند روشن است که لویه جرگه سال ۱۹۸۵ با تمام جرگه های پیشین بطور اصولی تفاوت داشت . از لحاظ خصلت انتخابات نمایندگان و ترکیب آنها و ماهیت کار خود و مصوباتی که جرگه دموکراتیک واقعی و تبادل نظر آزاد و دیا لوگ سازنده میان حزب و دولت و نمایندگان تمام قشرهای جامعه بود .

جرگه برای انجام مذاکراتی جدی و شرافتمندانه درباره حیاتی ترین و واحدترین مسائل افغانستان کنونی تشکیل شد . این مسائل با صراحت کامل در گزارش بهرک کارمل دبیرکل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و در شورای انقلابی تشریح گردیدند . برخی از آنها بدین شرح است . ۱- مبارزه با تجاوز امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه و با ضد انقلابیونی که از آنسوی مرزها گمیل میشوند . ۲- ترقی و پیشرفت زندگی سیاسی داخلی و در درجه اول گسترش حاکمیت کامل خلق که هم متکی به سنن تاریخسی مردم افغانستان و هم به پدیده های باشد که تازه و نو است . ۳- دگر سازی اجتماعی - اقتصادی کشور و انجام برنامه های پر دامنه اعتلای اقتصاد آن . در آنجا همچنین از مسائل مربوط به پیشرفت فرهنگ و رشد معنوی اهالی و مسائل بسیار دیگر هم صحبت بهمان آمد .

در قلمنامه ای که با اتفاق آراء به تصویب رسید لویه جرگه از سیاست خارجی و داخلی حزب و دولت انقلابی در مرحله تازه انقلاب شور تمام و کمال پشتیبانی بعمل آورد . براین نکته تاکید شد که حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیروی رهبری کننده و سمت دهند ه جامعه افغانستان و کشور ما است . مهمتر از همه اینکه مشی حزب و دولت د پیشرفت و گسترش همه جانبه بیانی د موکراتیک در زندگی کشور نیز مورد تأیید قرار گرفت . لویه جرگه قید کرد که در واقع تلفیق وظایف تازه تثبیت و تمهید دست آورد های انقلاب یا آشکار سنتی خود گردانی د موکراتیک خلق بهترین راه برای حل و فصل مسائل بفرنج افغانستان در حال حاضر است .

این را باید بطور موکد بیان داریم که حزب دموکراتیک خلق افغانستان در حقیقت نظر خود در باره پیشرفت انقلابی - دموکراتیک را به بحث و مذاکره آزاد نزدیک به دوهزار نماینده ای که برای ارگان سنتی حاکمیت خلق آزادانه انتخاب شده بودند گذاشت . با مراجعه به مردم نوی رای اعتماد برای تحقق سیاستی که تهیه و تدوین کرده گرفت . در گذشته هیچ دولت و هیچ حزب سیاسی افغانستان نمیتوانست بخود اجازه دهد چنین گام شهروانه ای بردارد و از چنین پشتیبانی توده ای و واقعاً خلقی برخوردار نبود است .

حزب ما و دولت انقلابی در واقع بدین سبب از پشتیبانی توده ها برخوردارند که از میان مردم برخاسته اند . بیانگر ضایع بنیادی و امید و آرزوهای آنها هستند و از خواسته های کهن زحمتکشان درباره حاکمیت واقعی خلق استقبال میکنند . حزب ما دادن حاکمیت بخود خلق به وجهه و اعتبار و نفوذ خود و به نقض خود بمنزله رهبر ایدئولوژیک و سیاسی و مری توده ها بیشتر از افزایش انتخابات جرگه های محلی که ارگانهای تازه حاکمیت دولتی در خارج از مرکز هستند با تأکید خاصی این را تأیید کردند .

انتخابات جرگه های محلی یا شوراهای نمایندگان خلق مرحله بمرحله بسته به حل مسئله امنیت در این یا آن منطقه انجام میگردد . نخستین مرحله ای که به پایان رسیده پایتخت جمهوری و ولایت کابل را در بر میگرفت . اکنون انتخابات در بدخشان و ننگرهار و نیسروزه بلخ و ولایات دیگر ادامه دارد .

سراسر جریان انتخابات در پایتخت و فلاقها و ایالات و ولسوالی ها و ولایت کابل نشان داد که مردم کاربایه انتخاباتی را که در سخنرانی ب کارمل و بیهی از آغاز نخستین مرحله مبارزات انتخاباتی و از آن سخن رفته است مورد پشتیبانی قرار میدهند . در شهر کابل ۹۰٫۳ درصد و در سایر ولایات ۸۶٫۹ درصد از مجموع انتخاب کنندگان رای دادند . با توجه به تقریباً بی تجربگی کامل مردم در تدابیر سراسر کشوری بدین قیاس و همچنین دسانس دشمنان و ترسانان اهالی این ارقام بسیار اثر بخش است . تمام نمایندگان خلق در ولایات (جمماً ۵۹۱ نفر) پیماز بحث و مذاکره آشکار و همه جانبه وضع هر کاندیدی با اتفاق آراء انتخاب شدند . در کابل ۴۶۱ نماینده انتخاب شده است که ۴۱۳ نفرشان (۸۹٫۶ درصد) به اتفاق آراء و ۴۸ نفر هم با اکثریت قاطع بوده است . فقط ۷۲۲ در صد از انتخاب کنندگان که در رای گیری شرکت کردند رای مخالف دادند . نمایندگان تمام ملتها و اقوام و تمام گروههای اجتماعی و قشرهای اهالی در ترکیب ارگانهای محلی حاکمیت داخل شده اند .

مایلم نکته دیگری را هم مشخص کنیم : تعداد اعضای حزب و اعضای آزمایش آن بین نمایندگان حتی در پایتخت کمتر از نیس از انتخاب شدگان است . حزب پیش از انتخابات به هیچ اقدام ویژه ای بسود اعضای خود دست نزد . حزب برای ایجاد بلوک سیاسی اعضای حزب و غیر حزبی ها کوشیده و میکوشد . معتبرترین و آگاه ترین و محترمتین افراد صرف نظر از تعلق حزبی شان برای ارگانهای تازه حاکمیت

انتخاب میشوند . صحبت برسر دموکراسی گسترده خلق است و نه دموکراسی برای برگزیدگان ، حتی اگر آنها عضو حزب انقلابی باشند . نقش رهبری کنند و حزب دموکراتیک خلق افغانستان نه در تمسداد نمایندگان آن در جرگه های محلی ، بلکه در تأثیر اندیشه های آن و آرج و اعتبار هر فرد حزبی است که به نمایندگی خلق برگزیده شده است .

باید برای این نکته تأکید ورزید که حزب ما در همین اینکه در سیستم تمام حاکمیت انقلاب نقش رهبری را ایفا میکند هیچ امتیازی برای خود بوجود نیآورد . حزب مردم را به اشتراک در حاکمیت و اداره امور کشور جلب میکند . موفقیت در مبارزات انتخاباتی نه فقط به تحکیم مواضع حزب دموکراتیک خلق افغانستان بلکه به تحکیم مواضع انقلاب خلقی و ملی - دموکراتیک یاری میرساند . وظیفه ما نه سرهم بندی کردن اشکال تعنمی " حاکمیت برای خلق " ، بلکه تأمین برقراری حاکمیت تمام مردم است .

آغاز انتخابات برای جرگه های محلی در کشور هم قرارهای لویه جرگه و هم تمام مشی حزب برای دموکراتیزه کردن زندگی اجتماعی - سیاسی را بسط و تکامل بخشید . آنها بوسیله ای برای تحقق این مشی مبدل شدند و در همین حال دلیل دیگری بردرستی استراتژی و تاکتیک ما میباشند . گام بعدی در تعمیم و گسترش این مشی بقیاس اقوام و قبایل کشور است .

جرگه های اقوام و قبایل مرز نشین ۱۵-۱۴ سپتامبر سال ۱۹۸۵ در کابل برگزار گردید . چنمین مجامع در سراسر تاریخ افغانستان سابقه نداشته است . تاکنون هیچ دولتی نمیتوانست بخود اجازه دهد چنین مجامع را فراخواند .

در جرگه دموکراتیک با یکدیگر رویو شدند : سنن دموکراسی قبیله ای و جرگه های قبیله ای و مشی حزب و دولت انقلابی برای ایجاد حاکمیت دموکراتیک با مضمون نو با استفاده از اشکال سنتی گذشته . در اینجا رسک معینی وجود دارد که عبارتست از اینکه نوع سنتی درک و آگاهی سران و شیوخ قبایل و ملایان و علما نمیتوانست مانع از این شود که آنها دپالک تیک تأثیر متقابل کهنه و نو را هنگامی که از اشکال کهن حاکمیت خلق برای انجام وظایف انقلابی استفاده میشود ، درک کنند . بیآن معرفت که آنها نتوانند به برخورد یکجانبه غلبه کنند و نتوانند طرح مسئله را باین شکل بپذیرند .

ولی این خطر برطرف شد . مشی استراتژیک حزب با زتاب مستقیم دپالکتیک خود زندگی بود و به همین سبب نتیجه مطلوب را ببار آورد . در واقع قبایل که آفرینندگان و سازاران اشکال سنتی حاکمیت خلق میباشند ، طی سالهای اخیر در چار وضع متضادی شدند . از یکسو وسایای آباء و اجدادی بویژه مجموعه رسوم و قواعد پشتونی حیثیت و شرافت پشتون والی آنها را ملزم میکنند که سنن را بقدری داشته و بهیچوجه از آنها عدول نکنند . از سوی دیگر شرایط واقعی زندگی کنونی و قدم بر هر چه از اقدامتس که دشمنان بدانها دست میزنند نیازمند اتخاذ تدابیر نوینی است که سابقه نداشته است . خود زندگی بتدریج برخیزا اقوام و قبایل را با اشکال مختلف به درک آنچه نو است و لزوم استفاده از سنن دموکراسی

جرگه ای برای حل مسائل مهم رهمنون گردید .

در سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۴ در نقاط مختلف افغانستان بطور خود بخودی چندین جرگه قومی - قبیله ای تشکیل شد که سرازاری برای فراخوان جرگه های قبایل بودند . بطور مثال در جرگه افوام هویزه از قبیله مینند (منطقه تنگه خیبر) قرار بر این شد که عبور کاروانهای که اسلحه مهمات برای ضد انقلاب حمل میکردند و توقف و امکان دارودسته اشرا در اراضی متعلق به آن قبیله ممنوع گردد . جرگه همون قبایل مینند در دسامبر سال ۱۹۸۴ مداخله پاکستان در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان را بشدت محکوم کرد . جرگه قبایل افریدی و شینواری هم در مه سال ۱۹۸۵ اعتراض خود را علیه سیاست ضدافغانی اسلام آباد اعلام داشت . الحاج ملاحیب الله مجتهد و مرجع تقلید متدین قبیله کوششهای را که بمنظور استفاده از قبایل برای مبارزه با حکومت انقلابی بعمل میآید بشترله علمی کماشکارا با شعائر اسلامی مغایرت دارد رد کرد . قبایل خوچی ، علی خیل ، خوش خیل و موش (ولایت پکتیا) هم در مبارزه با ضد انقلاب تصمات گرفتند که اگرچه بشکل سنتی تهیه شده ولی دارای مضمون انقلابی است . در آغاز مه سال ۱۹۸۵ سران و شیوخ قبایل باجواره مینند و خیبر نامه ای بمنسوان دولت جبهه پوری دموکراتیک افغانستان ارسال داشتند و طی آن بناسبت بهلاکت رسیدن فاجعه آمیز سربازان شوروی و افغانستان که بدست اشرا افتاده بودند (در اردوگاه باد ابر - پاکستان) مراتب تسلیم خود را بیان کردند .

از این نمونه ها فراوان وجود دارد . همه آنها گویای این است که قبایل بدرک ضرورت بهیم پیوستن اشکال سنتی دموکراسی با حل و فصل دوران محاصر نزدیک شده اند . بهمین سبب طبیعی است که وقتی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ودولت در جرگه های قبایل راه تلفیق سنن توده ها با دگرگونی های بنیادی انقلابی بقیاس سراسر کشور را پیشنهاد کردند ، ۲۵۰۰ نماینده با اتفاق آراء آنرا تأیید نمودند .

قبایل تعهد کردند دارودسته ضدانقلابیون را از خارج به درون کشور راه ندهند و در حفظ و حراست کامل مرزهای جمهوری با تمام وسائل ممکن همکاری کنند و به تحقق دگرگونی های اجتماعی - اقتصادی در تمام مناطق کشور یاری رسانند . دولت مرکزی هم بنوع خود تدابیر لازمه برای حفظ و حراست سرزمین هاشی که قبایل در آنجا سکونت اختیار کرده اند افزایش خواهد داد ، برای بهبود شرایط زندگی قبایل خواهد کوشید و سنن پرافتخار آنها را محترم شمرده و از آنها پشتیبانی میکند .

حزب و دولت با قبول تعهد محترم سران آداب و رسوم قبایل در واقع قبول داده اند به گسترش و تحکیم اشکال جرگه ای حاکمیت خلق یاری رسانند . ولی جرگه های قبایل موکدا خواست که این کار باید بر پایه نو و انقلابی تحقق یابد . خود جرگه های هم راه اصلی انجام این تصم را معین کرد . این راه عبارتست از ایجاد پیگیر ارگانهای محلی تازه حاکمیت در سراسر کشور که همان جرگه های انتخاباتی

است .

جرگه عالی قبایل در سایر اسنادی که بتصویب رسانید (مانند پیام خطاب به مردم افغانستان و پیام به خلقهای منطقه پیام برای دبیرکل سازمان ملل متحد) قرارها و تصمیمات خود را توضیح داده و مستدل ساخته است و تمام مردم با حسن نیت و صاحب عقل سلیم را به یاری رساندن به امر تحقق آنها فراخوانده است . در نامه ای که برای دبیرکل سازمان ملل متحد فرستاده شده به وضع فلاکت‌بار برادران فریب خورده ما که در اصطلاح " اردوگانه‌های فراریان " رنج میکشند (در پاکستان و ایران) و فاقد حقوق دموکراتیک میباشد توجه مخصوصی بذول گردیده است .

اهمیت خاص جرگه عالی قبایل در این است که در طول مدت کوتاهی برای سومین بار تأیید شده که دموکراتیزه کردن تمام زندگی اجتماعی - سیاسی یگانه می‌گردد در صورت انقلاب ملی - دموکراتیک در شرایط کشور عقب مانده و کم رشدی (پس آمد سیاست بین‌المللیت و خائنانه دولتهای پیشین) مانند افغانستان کنونی است که مورد پشتیبانی توده ها میباشد .

حزب ما شرافتمندانه و آشکارا اعتراف کرد که پیش از آغاز مرحله تازه در آورده خاتمتین ح . امین کار را به برقراری دیکتاتوری مطلقه کشانند . در آن هنگام در جرگه های قبایل و اقوام سخن عدم اعتماد به دولت شنیده میشد . حاکمیت انقلابی در آغاز نتوانست جرگه و دموکراسی آنرا بسوی خود جلب کند و این وسیله نیرومند را به مرتجعین واگذار است . جرگه های تعدادی از قبایل حتی طبعه آن جهاد اعلان کردند . ضد انقلاب در پاکستان سوگند یاد کرد که " رژیم خود فروخته " کابل را نابود خواهد کرد و آنرا " کافر " خواند . ولی مقدرنه بود که در این کار موفقیتی نصیب آن گردد .

در نوامبر سال ۱۹۸۵ حزب بمنظور دموکراتیزه کردن زندگی اجتماعی - سیاسی ملی تازه ای برای گسترش زمینه اجتماعی حاکمیت انقلابی در پیش گرفت . دموکراتیزه کردن همه جانبه زندگی اجتماعی - سیاسی و جلب تمام گروهها و قشرهای جامعه به انقلاب به وسیله لوابیح قانونی تحکیم و استوار کردن حزب با سنجش دقیق این ملی در لویه جرگه و جرگه عالی قبایل و در جریان انتخابات جرگه های محلی به آراء عمومی مراجعه کرد .

ب . کارمل دبیرکل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک افغانستان و صدر شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در اجلاس گسترده فوق العاده شورای انقلاب تزه ای برنامه ای حزب را در باره " خصلت ملی - دموکراتیک انقلاب ثور و وظایف مهم آن در شرایط کنونی " ارائه کرد . مضمون تزه ها که شامل ده بند است تشریح و توضیح ماهیت انقلابی که صورت گرفته و راههای پیشرفت و گسترش آنست . کشور ملی - دموکراتیکی که انقلاب ما ساخته است خانه ایست که زیر بام مشترک و در پس مرزهای آن که دیوارهای مشترک مستحق است ، برای همگان جا بماند از کافوی وجود دارد . هدفهای مشترک بالاتر از اختلاف نظرهای جداگانه است . طرز برخورد تازه هم از همینجا ناشی میگردد و آن جلب توده ها

به اشتراك فعالانه در تحقق حاکمیت انقلابی و توفیق در این امر است که هر گروه اجتماعی و هر قشری از آنها مسئولیت خود را در امر دگرگونی های بنیادی که در کشور در دست انجام است بعهده بگیرد . فقط در شرایط تحقق سریع وجدی این برنامه است که تغییر بنیادی در وضع موجود و حل و فصل نهایی مسئله عده انقلاب " که هر که " امکان پذیر است .

در تزه ها توضیح داده شده است که در واقع انقلاب ، هم اکنون ، به هر قشر و گروه جامعه این امکان را داده و در آینده نیز خواهد داد . تزه ها شامل این فراخوان نیز هست که هر کس باید سهم خود را در تحکیم حاکمیت انقلابی ادا کند . تازگی ایمن طرز برخورد در آمادگی حزب و دولت برای گسترده ترین همکاریها با تمام قشرهای اهالی بمنظور دست یافتن به توافق ملی و آشتی دموکراتیک و وحدت میهن پرستانه بخاطر خوشبختی و بهروزی مردم و شکوفائی میهن است . ملی کنونی ما گسترش دیا لوگ سازنده با تمام گروههایی است که نسبت به راههای مشخص و آشکال پیشرفت انقلابی در موضع بیطرفی و یا حتی در موضع عدم توافق و تأیید قرار دارند . هدف ما دست یافتن به سازش های پرنرمش و دموکراتیک تیزه کردن دستگاه دولت در تمام سطوح بخاطر استقرار صلح و آرامش در کشور و جلب متفقین تازه ای میباشد . میانی دموکراتیک با بوجود آمدن سازمانهای اجتماعی - سیاسی تازه ای که بیانگرمنافع این یا آن قشر اجتماعی هستند بیشتر استحکام می یابند .

ب . کارمل تأکید نمود که " حزب دموکراتیک خلق افغانستان ایدئولوژی و نظریات خود را به هیچکس تحمیل نمیکند و برای عقاید تمام افراد دموکرات و میهن پرست ارزش قائل است . این حزب مناسبات خود را با تمام قشرهای میهن پرست اهالی کشور ، با سایر سازمانهای اجتماعی و تمام متفقین خود بر پایه همکاری سازنده و برابری حقوق و اعتماد ، از روی وجدان و احترام متقابل برقرار کرده و خواهد کرد . در این لحظه تاریخی ما دقیقاً درک میکنیم که بمنظور تحقق هدفهای خیراندیشانه و وظایف انقلاب ملی - دموکراتیک ، وحدت کامل و همکاری افغانها و همه نیروهای میهن پرست افغانستان برای ما همانند هوا ضرور است . "

مضمون تزه ها پایه و اساسی برای بیانیه شورای انقلاب جمهوری دموکراتیک افغانستان بتاریخ ۱۴ نوامبر سال ۱۹۸۵ بود که به برخورد تازه به مسئله پیشرفت پروسه انقلابی اعتبار قانونی بخشید . تزه ها بیانیه موجب اعتدالی قابل توجه فعالیت انقلابی در کشور گردیدند . هزارها نامه و پیشنهاد از زحمتمندان بدست ما رسید . مردم بوسیله روزنامه ها ، رادیو و تلویزیون ، در جلسات و میتینگ ها و طی نامه هایی که بعنوان ارگانهای حزبی و دولتی میفرستادند از کوششهای میهن پرستانه خویش سخن میگفتند و علاقه خود را به کمک جدی برای تحقق مواد برنامه مانند این اسناد بیان میکردند . شانزدهمین پنجم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان (نوامبر سال ۱۹۸۵) بر پایه

همین تأیید توده های مردم ، برنامه مشخص تحقق عملی مشی تازه برای گسترش و تحکیم پایگاه اجتماعی حاکمیت انقلاب را تهیه کرد . قرارها و تصمیمات پلنوم گام دیگری در جهت پیشرفت مشی استراتژیک حزب بمنظور دموکراتیزه کردن همه جانبه زندگی اجتماعی - سیاسی و تثبیت مواضع انقلاب در افغانستان از راه جلب تمام مردم بدان بود .

علیه تضییق و فشار و پیگرد

چسان میهن پرستان را باید نجات داد

بیش از سه سال است که تضییق و فشار گردانندگان جمهوری اسلامی علیه حزب توده ایران ، پیشتر از طبقه کارگرایان ، به بقیاس گسترده ای ادامه دارد . هیئت حاکمه با خیانت به آرمانها و هدفها ، انقلاب ضد امپریالیستی مردمی و زیرپا نهادن همان قوانین ناقص و محدود کشور بدون دادرسی دهها هزار مبارز کمونیست ، دموکرات و میهن پرست را به زندان افکند و یا بقتل رساند . اینک بیش از صد هزار نفر زندانی سیاسی در زندانهای ایران وجود دارد . یگانه گناه آنها علاقه به آزادی و ترقی و عدالت اجتماعی است .

از درون سلول های زندان ها اخباری بخارج می رسد که حاکی از آزار و شکنجه زندانیان و اهانت و تحقیر نسبت به کسانیست که بدست زندانیان گرفتار شده اند . حکام جمهوری اسلامی با پستی و فرومایگی از دادن هرگونه خبری درباره سرنوشت زندانیان ، حتی به خانواده و نزدیکان آنها هم امتناع میکنند . نام اکثر قربانیان ترور را هم برملا نمیکنند .

با وجود این مردم میهن ما شواهد انکار ناپذیری در دست دارند که نشان میدهد کمونیست ها و دیگر زندانیان در وحشتناک ترین شرایط نگهداری میشوند . اخبار مربوط به برگه رفقای ما تقی کی منفی و رضا شلتوکی اعضای هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - در زهر شکنجه در بسیاری از کشورهای جهان موج تازه ای از اعتراض برانگیخت . هریک از آنها در رژیم شاه هم نزدیک به ۲۵ سال از عمر خود را در زندان گذرانده بودند . با وجود فقدان اطلاعات رسمی و دلایلی در دست است کسی میتوان گفت رژیم رفقا را ، هاتفی ه گ ، آوانسیان و ع ، آکا هی دکتر در علوم فلسفی ، اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران را هم بقتل رسانده است .

دژخیبان م ، رضا غبراشی و ر ، تابان اعضای رهبری سازمان " فدائیان خلق (اکثریت) " را تیرباران کرده اند . بسیاری از فعالین حزب دموکرات کردستان ، سازمان " مجاهدین خلق " و سایر سازمانهای ترقی و دموکراتیک هم یا اعدام و یا زهر شکنجه کشته شده اند .

ما بار دیگر تمام مردم جهان و تمام کسانی را که با مبارزه مردم ایران اظهار همبستگی میکنند فریخوانیم پایان بخشیدن به جنگ خونینی را که چند سال است ادامه دارد خواستار شوند و نجات

جان مبارزان در راه آزادی و دموکراسی را که در زندانهای جمهوری اسلامی زند و بگور شده اند طلب کنند .

محمود آزاد

نماینده حزب توده ایران در مجله
" مسائل صلح و سوسیالیسم "

خبرهای کوتاه

بلژیک

در اواسط ماه فوریه نمایندگان احزاب کمونیست بلژیک و جمهوری فدرال آلمان و فرانسه و انگلستان و هلند در بروکسل ملاقات کردند. ضمن این دیدار مسائل مهم کوش مبارزه در راه منافع مشترکاً مسود شده آگوه قرار گرفت. آنها در این تبادل نظر توجه اصلی را به دشواریهای مسئله اشتغال در معادن ذغال سنگ کشورهای اروپای غربی یا داده و مبدول داشتند.

دانمارک

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک تصمیم گرفت بیست و هشتمین کنگره حزب را از ۱۶ تا ۲۰ آوریل سال ۱۹۸۲ در کپنهاگ برگزار کند.

هندوستان

رهبری حزب کمونیست هندوستان و حزب کمونیست (مارکسیست) هندوستان تصمیم گرفتند اول ماه مه سال ۱۹۸۶ بنظیر تبلیغ موفقیت های جنبش کارگری جهانی تدابیر مشترکی اتخاذ کنند.

کوبا

تعداد اعضا و اعضای آزمایشی حزب کمونیست کوبا که در ۳۸۱۶۸ سازمان اولیه حزبی متحد و متشکل گردیده اند و در فوریه سال ۱۹۸۶ به ۵۲۳۶۳۹ نفر رسید. ۴۳ درصد از کمونیست ها بلاواسطه در تولید و در عرصه خدمات فعالیت میکنند. نزدیک به ۱۷ درصد از آنها را نمایندگان روشنفکران تشکیل میدهند. از سال ۱۹۸۱ با بنظر ۱۲۷۷۹ نفر به عضویت حزب پذیرفته شده اند. تقریباً ۶۰ درصد از افرادی که در سال ۱۹۸۵ به صفوف حزب پیوستند از اعضای اتحاد جوانان کمونیست بودند.

پرتغال

بنگاه انتشاراتی "آواته" سومین جلد آثار گزیده کارل مارکس و فریدریش انگلس را منتشر کرد. با انتشار این جلد نخستین چاپ مهمترین آثار بنیانگذاران کمونیسم علمی بنیان پرتغالی به پایان رسید. این کار یکمک دانشگاه مارکسیسم - لنینیسم وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی انجام

یافته است.

چکسلواکی

تعداد اعضای حزب کمونیست چکسلواکی در آغاز سال ۱۹۸۶ به یک میلیون و شصت و هفتاد هزار نفر رسید. از ۲۸۵ هزار عضو آزمایشی که پس از کنگره شانزدهم آن حزب به عضویت حزب پذیرفته شده اند ۵۹ درصد را نمایندگان طبقه کارگر و ۶۵ درصد را اعضای تعاونی های دهقانی تشکیل میدهند.

جمهوری دموکراتیک آلمان

در آغاز سال ۱۹۸۶ تعداد اعضای حزب سوسیالیست متحد آلمان دو میلیون و دویست و نود و سه هزار نفر بود که ۵۸٫۲ درصد آنان را کارگران تشکیل میدهند. طی سالهای پس از کنگره دهم حزب (آوریل ۱۹۸۱) ۱۲۱ هزار نفر به تعداد اعضای این حزب افزوده شده است.

ایتالیا

در حزب کمونیست ایتالیا تمهین سالانه دفترچه های عضویت اعضای حزب به پایان رسید. روزنامه "اوبیتا" در ارتباط با این موضوع نتایج آن اطلاع داد که تعداد اعضای حزب کمونیست ایتالیا در سال ۱۹۸۵ یک میلیون و پانصد و نود و سه هزار و هفتصد و نود و پنج نفر بود که نسبت به سال ۱۹۸۴ بیست و شش هزار نفر کاهش یافته است.

کلمبیا

حزب کمونیست کلمبیا در کنگره بنیانگذاری اتحاد میهنی که جنبه گسترده نیروهای سیاسی و اجتماعی طرفدار دموکراسی است شرکت کرد. در آستانه برگزاری کنگره (دسامبر سال ۱۹۸۵) دوهزار و دویست کمیته برای شرکت در این اتحاد اظهار آمادگی کرده بودند.

مجله 'مسائل بین‌المللی' که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه های آنانست، انتخاب و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۳ و ۴ (مارس - آوریل) سال ۱۹۸۶ مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' بچاپ رسیده است.

PROBLEMS OF PEACE AND SOCIALISM

Theoretical and information Journal of Communist
and Workers' Parties throughout the world

№ 3 , 4 1986